

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تفاوت عمده این کتاب با سایر کتب این است که؛ خواننده محترم در واقع خود، نویسنده اصلی کتاب خواهد بود. چون محتوای اصلی کتاب همان پاسخ سؤالاتی است که در مقابل بیانات رهبر معظم انقلاب در هر گفتار مطرح شده و خواننده باید با دقت و تأمل به دنبال پاسخ آن‌ها باشد.

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَى

بگو من شمارا فقط یک پند می دهم، اینکه قیام کنید برای خدا دونفر-دونفر و یا به تنهایی

سوره سبأ ۴۴



ویراستار: روح ... رحمانی

صفحه آرا: امیرحسین غفارپور

طراح جلد: محمدحسن بنایی پور

نوبت چاپ: زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰۰

چاپ و نشر: ۰۹۹۶۰۹۳۶۱۲۴

قیام جوانان در گام دوم انقلاب اسلامی

محمدعلی (عزیز) جعفری

نشر: قرارگاه فرهنگی - اجتماعی قرب بقیه‌الاعظم ؟

حلقه‌های میانی می‌توانند جهت هماهنگی و دریافت کتاب صرفاً از طریق ستاد مربوطه خود اقدام کرده و در صورت لزوم از مراکز ذیل دریافت نمایند.

- | | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| ■ اردبیل ۰۴۵۳۳۲۵۸۹۷۰ | ■ زنجان ۰۲۴۳۳۷۷۵۸۰۹ |
| ■ اصفهان ۰۳۱۳۳۳۱۸۵۱۵ | ■ سمنان ۰۲۳۳۳۳۶۴۴۸۵ |
| ■ البرز ۰۲۶۳۳۷۰۷۶۱۶ | ■ سیستان و بلوچستان ۰۵۴۳۳۳۳۴۲۲۶ |
| ■ ایلام ۰۸۴۳۳۳۸۳۱۸۹ | ■ فارس ۰۷۱۳۳۳۵۹۸۴۴ |
| ■ آذربایجان شرقی ۰۴۱۳۵۴۵۰۵۱۸ | ■ قزوین ۰۲۸۳۳۳۵۶۴۴۹ |
| ■ آذربایجان غربی ۰۴۴۳۳۴۶۲۱۰۶ | ■ قم ۰۲۵۳۳۲۹۴۲۳۵۵ |
| ■ بوشهر ۰۷۷۳۳۵۳۳۵۹۸ | ■ کردستان ۰۸۷۳۳۱۷۹۹۴۵ |
| ■ تهران-شرق ۰۲۱۷۶۳۴۵۲۲۰ | ■ کرمان ۰۳۴۳۳۳۱۶۹۸۷ |
| ■ تهران-جنوب شرق ۰۲۱۳۶۲۷۴۵۴۵ | ■ کرمانشاه ۰۸۳۳۸۲۵۴۶۰۴ |
| ■ تهران-جنوب غرب ۰۲۱۳۶۲۶۸۹۹۰ | ■ کهگیلویه و بویراحمد ۰۷۴۳۳۳۳۴۶۹۳۳ |
| ■ تهران- مرکز شهر ۰۲۱۳۶۳۴۸۶۴ | ■ گلستان ۰۱۷۳۳۲۶۳۳۳۳۲ |
| ■ چهارمحال و بختیاری ۰۳۸۳۲۲۵۱۴۲۷ | ■ لرستان ۰۶۶۳۳۴۰۲۳۶۰ |
| ■ خراسان جنوبی ۰۵۶۳۳۲۲۸۴۴۶ | ■ مازندران ۰۱۱۳۳۳۳۶۲۲۷ |
| ■ خراسان رضوی ۰۵۱۳۸۵۵۸۰۱۴ | ■ مرکزی ۰۸۶۳۳۲۷۶۴۳۸۹ |
| ■ خراسان شمالی ۰۵۸۳۳۲۷۴۸۰۰۵ | ■ همدان ۰۸۱۳۸۲۵۳۳۲۲۶ |
| ■ خوزستان ۰۶۱۳۳۳۳۴۴۵۱ | ■ یزد ۰۳۵۳۶۲۰۷۲۰۵ |

بخش اول

۱۳ مسئله اصلی انقلاب در گام دوم و راهکارهای آن

- ۱۴ گفتار اول) مسئله اصلی انقلاب
- ۱۸ گفتار دوم) دولت اسلامی، جامعه اسلامی
- ۲۲ گفتار سوم) راه‌حل مسئله اصلی انقلاب
- ۲۶ گفتار چهارم) ضرورت جبهه‌سازی از مردم در گام دوم

بخش دوم

۳۱ معنای گام دوم انقلاب و راهبردهای تحقق آن

- ۳۲ گفتار پنجم) معنای گام دوم انقلاب
- ۳۶ گفتار ششم) الزامات اولیه برای شروع حرکت عمومی
- ۴۰ گفتار هفتم) نحوه اجرا و مسئولیت پیاده‌سازی گام دوم
- ۴۴ گفتار هشتم) ضرورت خودجوش و خودکار بودن جوانان در گام دوم

بخش سوم

۴۹ تکالیف الهی مؤمنین در جامعه‌سازی اسلامی

- ۵۲ گفتار نهم) تعهدی که اصل توحید بر دوش یک جامعه موحد می‌نهد
- ۵۶ گفتار دهم) منطبق قرآنی ایمان و عمل صالح
- ۶۰ گفتار یازدهم) اطاعت کامل از خدا و رسول، شرط رحمت الهی
- ۶۴ گفتار دوازدهم) معنای واقعی مغفرت و انفاق و ارتباط آن‌ها باهم
- ۷۰ گفتار سیزدهم) ایمان به نبوت و تعهد آن
- ۷۶ گفتار چهاردهم) معنای قرآنی ولایت و جبهه‌سازی مؤمنین
- ۸۲ گفتار پانزدهم) معنای هجرت و اهمیت آن در کنار ایمان و ولایت

قیام حویلی

درگام دوم
انقلاب اسلامی

مقدمه

در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، برای اولین بار یک قیام مردمی و انقلابی عظیم، به رهبری یک عالم دینی بزرگ و مرجع تقلید انقلابی شکل گرفت و بزرگترین دستاورد اولیه آن، تشکیل یک نظام کاملاً مردمی، همراه با قانون اساسی برگرفته از فقه شیعه، تحت رهبری ولایت فقیه بود که این نظام، بستری مناسب برای استمرار حرکت انقلابی مردمی مؤمن و دین‌دار را فراهم ساخت. به یاری خدای متعال، مردم مؤمن و انقلابی ما تا کنون، توانستند از تمامی آزمایش‌های الهی و فشارهای دشمنان خارجی و داخلی سربلند بیرون آیند و این انقلاب را با صبر و استقامتی مثال زدنی حفظ کرده و حرکت انقلاب را تداوم بخشند.

یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی نسبت به دیگر انقلاب‌های معاصر، مردمی بودن آن است؛ به این معنا که هیچ حرکت عمده‌ای و هیچ مرحله‌ای از انقلاب بدون اراده و عزم راسخ مردم پشت سر گذاشته نشد، مگر آنکه جوانان دین‌دار و با ایمان، محوریت آن حرکت را بر عهده گرفتند و انقلاب را از موانع و گردنه‌های سخت و بحران‌های بزرگ عبور دادند. مانند: سرنگونی رژیم منحوس پهلوی، مقابله با ناامنی‌های اولیه انقلاب، دفاع جانانه از حریم کشور و نظام در دوران دفاع مقدس، حرکت‌های جهاد سازندگی و محرومیت‌زدایی و آخرین آن، همیاری و مواسات در بحران کرونا، نمونه‌هایی از نقش‌آفرینی مؤثر مردم در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف ایثار و فداکاری است.

این عزم و اراده پولادین ملت ایران در حفظ و استمرار انقلاب، ماهیت اصلی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد که مبنای مستحکم آن، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم است. همین واقعیت، دشمنان اسلام و انقلاب را به تحیر و تشنگی داشته که چگونه ملت ایران، در برابر تهدیدات، توطئه‌ها و فشارهای پی‌درپی دشمنان ایستاده و همچنان بر ادامه این راه الهی اصرار می‌ورزند.

در همین رابطه یک سؤال مهم مطرح است که اگر، دشمنان به رمز و راز این حرکت مردمی و اسلامی پی نمی‌برند - که نباید هم ببرند - چرا در داخل کشور، تعدادی از مسئولین و نیروهای انقلاب، به این حرکت الهی مردم، نگاهی سطحی و مادی‌گرایانه همراه با تحلیل‌های غیر انقلابی و غیر اسلامی دارند؟ و چرا نمی‌دانند به دلیل همین نگرش‌هاست که به مرور، از قطار انقلاب پیاده می‌شوند و بعضاً در جبهه مقابل هم قرار می‌گیرند!

در پاسخ می‌توان گفت؛ علت اصلی ریزش‌های انقلاب ضعف ایمان و دنیاگرایی است. اما نکته بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر این است که؛ چون مبنای این انقلاب و حرکت‌های عظیم مردمی آن، اعتقادات و باورهای دینی است؛ لذا فهم و تحلیل درست آن، نیاز به تأمل و تفکر عمیق دارد. سطحی‌نگری‌ها و تحلیل‌های مادی‌گرایانه در رابطه با انقلاب، تعدادی را گیج و گمراه می‌کند و نمی‌توانند به رمز و راز حرکت‌های جمعی و اجتماعی مردم ما، که بر اساس اعتقادات دینی انجام می‌شود و نصرت‌های الهی را هم به دنبال خود می‌آورد، پی ببرند. به این حدیث از امام صادق؟؟ خوب توجه کنید: «بندگی خدا به نماز و روزه بسیار نیست! بندگی به تفکر و اندیشه در فرمان خداست.»^۱

بنابراین امروز، همه ما -به ویژه جوانان- نیازمند تفکر و تأملی عمیق در رابطه با گام دوم انقلاب هستیم، تا قادر باشیم عرصه‌های مورد نیاز برای نقش‌آفرینی مؤثر مردم در هر مقطع زمانی را درست تشخیص بدهیم و بتوانیم محوریت حرکت‌های عظیم مردمی، برای رسیدن به اهداف چشم‌اندازی انقلاب را نیز بر عهده بگیریم.

برای پویندگان این راه الهی مهم است که بدانند گام دوم انقلاب، ماهیتی کاملاً متفاوت با گام اول دارد و مهم‌ترین تفاوت این دو گام را، می‌توان در ماهیت سلبی گام اول و ماهیت ایجابی گام دوم دانست. به عبارت دیگر، حرکت‌های مردم در گام اول، عمدتاً برای مقابله با انواع تهدیدات دشمنان علیه انقلاب بود؛ درحالی که گام دوم، بر اقدامات ایجابی و ایجاد با هدف خودسازی، جامعه‌پردازی و ترویج سبک زندگی اسلامی تمدن‌ساز تمرکز دارد.

۱. گزیده کافی جلد ۱، صفحه ۱۶۰

نکته مهم دیگری که نسل امروز انقلاب باید به آن فکر کند این است؛ «آنطور که جوانان نسل اول انقلاب، داوطلبانه دوش خود را زیر بار کارهای سخت و حل بحران‌های بزرگ انقلاب در دهه اول قرار می‌دادند، آیا نسل جوان امروز هم، به همان صورت عمل می‌کنند؟ یا منتظر هستند کار یا مسئولیتی به آن‌ها سپرده شود و در صورت درخواست مسئولین، اقدامی را انجام دهند!»

در واقع جوانان متعهد اوایل انقلاب، پس از مشاهده جهت حرکت و دریافت پیام امام خمینی؟، به طور خودجوش و تکلیف‌مدارانه در مسیر اهداف انقلاب به ایفای نقش می‌پرداختند و مخالفت‌ها و برخورد‌های مسئولین اجرایی آن روز هم، مانع تحرک و فعالیت‌های پرشور آنان نمی‌شد. نتیجه آن حرکت‌های خودجوش انقلابی سبب گردید، دستاوردهای گران‌بهایی در برهه‌های مختلف نصیب کشور و انقلاب شود از جمله؛ تسخیر لانه جاسوسی، پیروزی در هشت سال دفاع مقدس، جهاد سازندگی و پیشرفت‌های چشم‌گیر علمی در حوزه‌های مختلف. و انتظار از نسل جوان، متعهد و انقلابی امروز این است که پرچم این قیام را همچنان برافراشته نگه دارند و اهداف گام دوم انقلاب را محقق سازند.

امروز که رهبر معظم انقلاب؟، ضمن صدور فرمان آتش به اختیار، جوانان را به حرکت پیشتانزانه‌ای در گام دوم انقلاب فراخوانده‌اند، امید است همه جوانان متعهد و انقلابی، با تفکر و تأمل بیشتر، این دعوت متعالی را به شکلی فراگیر، بپذیرند و با انگیزه‌های قدرتمند ایمانی و ملی و با حرکت‌های جهادی خود، موانع پیش‌روی انقلاب را بردارند و مسیر پیشرفت اسلامی کشور و انقلاب را هموار سازند.

این کتاب سعی دارد با محور قرار دادن فرازهایی از بیانات رهبر فرزانه انقلاب، پیرامون گام دوم و طرح سؤالاتی مربوط به اقدام و عمل در مقابل هر یک از بیانات، نسل جوان امروز را نسبت به تکالیف و وظایف انقلابی خود، آشنا و حساس کند و با تأمل و اندیشه‌ورزی روی سؤالات و رسیدن به پاسخ دقیق برای هر سؤال، موجبات تقویت انگیزه و یافتن مسیر درست حرکت آنان را فراهم سازد؛ ان شاء الله.

یک توصیه:

برای فهم درست و برداشت دقیق از بیانات رهبری و انتظار ایشان از جوانان متعهد در گام دوم، توصیه می‌شود؛ بیانات ذیل هر گفتار را چند بار و با دقت مطالعه کنید و به سؤالات مربوط به هر گفتار، با تأمل و دقت کافی پاسخ دهید. به عبارتی دیگر؛ مطالب کتاب را شتابزده و مانند سایر کتب مطالعه نفرمایید، چون شالوده کتاب و محتوای آن بر اساس پاسخ به سؤالات ذیل هر گفتار رهبری طرح‌ریزی شده است.

محتوای کتاب به طور خلاصه با محور قرار دادن پانزده گفتار از رهبری، در سه بخش جداگانه ارائه شده است:

- ◀ بخش اول: مسئله اصلی انقلاب در گام دوم و راه‌حل‌های آن،
- ◀ بخش دوم: معنای گام دوم انقلاب و راهبردهای تحقق آن،
- ◀ بخش سوم: تکالیف الهی مؤمنین، برای جامعه‌سازی اسلامی

پاسخ اکثر سؤالات، در سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در موارد ذیل یافت می‌شود:

- ◀ ۹۰/۷/۲۰ در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه
 - ◀ ۹۱/۷/۲۳ در دیدار جوانان استان خراسان شمالی
 - ◀ ۹۲/۲/۲ در دیدار با مجموعه فرهنگی اجتماعی قرارگاه بقیه‌الله‌الاعظم؟
 - ◀ ۹۷/۱/۱ در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی
 - ◀ ۹۷/۱۱/۲۲ بیانیه گام دوم
 - ◀ ۹۸/۳/۱ در دیدار جمعی از دانشجویان
 - ◀ کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
- (ارجاعات کتاب پیش‌رو براساس نسخه PDF است که با مراجعه به انتهای کتاب می‌توانید آن را تهیه نمایید.)

مسئله اصلی انقلاب در گام دوم و راه حل های آن

حضور مؤثر مردم در تمامی مراحل انقلاب و نقش بی‌بدیل آن‌ها در رفع موانع پیش آمده، واقعیتی است اثبات شده، که با وجود همه دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها، این حضور الهی همچنان ادامه دارد.

سؤال این است که چرا از ابتدای دهه چهارم انقلاب (یعنی سال ۹۰) مقام معظم رهبری، حضور مردم را مسئله اصلی انقلاب دانستند و می‌فرمایند: «مسئله اصلی ما، مسئله مردم است، حضور مردم ... هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم، ما مسائل حل نشده کم نداریم ...»

از سوی دیگر مردم ما، سال‌هاست با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو هستند که با دستان نیرومند خودشان قابل رفع است، اما موانعی وجود دارد که حضور مؤثر آن‌ها را به مسئله اصلی برای انقلاب تبدیل کرده است.

از آنجا که درک و فهم درست این مسئله اصلی و پیدا کردن راهی مناسب برای حل آن توسط نیروهای دغدغه‌مند انقلاب بسیار ضروری است، لذا اولین بخش کتاب روی همین مسئله متمرکز شده و با ذکر بیاناتی از رهبر انقلاب و طرح سؤالاتی ذیل هر گفتار، در پی رسیدن به پاسخ‌های عملی به آن‌ها هستیم تا از تکالیف الهی و انقلابی خودمان در گام دوم باز نماییم.



■ مسئله اصلی ما، مسئله مردم است. حضور مردم، میل مردم، اراده مردم و عزم راسخ مردم. در همه تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است... هر جایی که مسئولین کشور، توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم، هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که نتوانستیم، حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم.^۱

■ ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند ممکن است یک وقت به تباهی بکشد!^۲

■ اصل قضیه درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است، باید در این بخش‌ها ما پیش برویم، باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش، تحقق پیدا نخواهد کرد.^۳

■ تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. دیدار با روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

۲. کتاب صحیفه امام خمینی؟ جلد ۱۵، صفحه ۱۷

۳. دیدار با جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۷/۰۱/۲۳

۴. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

بررسی و تحلیل:

هدف اصلی انقلاب اسلامی اصلاح سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی، توسعه اخلاق و رفاه عمومی و ارتقای سطح ایمان و معنویت مردم است و از این طریق است که هدف غایی انقلاب، یعنی تمدن نوین اسلامی تحقق می‌یابد. در حال حاضر وضع موجود جامعه، فرهنگ و سبک زندگی رایج مردم فاصله زیادی با وضع مطلوب بیان شده دارد و متأسفانه نمی‌توان ادعا کرد که روند فعلی رو به جلو بوده و ما را به وضع مطلوب می‌رساند. بلکه با کمال تأسف، شاهد توسعه سبک زندگی غربی در جامعه هستیم. آیا این یک مسئله اصلی برای انقلاب نیست؟ مگر حضرت امام؟؟ نفرمودند: «اگر خدای نکرده این جمهوری شکست بخورد، اسلام شکست خورده است!»^۱

محقق نشدن اهداف والای انقلاب اسلامی مانند عدالت اجتماعی مورد انتظار، اخلاق، فرهنگ عمومی و سبک زندگی اسلامی و نیز درجا زدن انقلاب در مرحله سوّم خود (یعنی دولت‌سازی اسلامی) همین دغدغه و نگرانی را در اذهان دردمندان انقلاب تقویت کرده است. فراهم نبودن زمینه‌های حضور مؤثر و گسترده مردم برای رفع این نواقص عمده، امروز به مسئله اصلی انقلاب تبدیل شده و این سؤال به وجود می‌آید که با توجه به اینکه مردم مؤمن و انقلابی ایران اسلامی تاکنون در تمامی میدان‌های عمل مورد نیاز انقلاب حاضر بوده‌اند؛ چرا در گام دوم، حضور گسترده آن‌ها به مسئله اصلی انقلاب تبدیل می‌شود؟ یا به عبارتی دیگر چرا مردم در گام دوم انقلاب، برای اقدامات ایجابی، دولت‌سازی و جامعه‌سازی، هنوز به صورت گسترده در میدان عمل حاضر نشده‌اند؟

۱. کتاب صحیفه امام خمینی؟؟ جلد ۱۷، صفحه ۴۸۹

برای ریشه‌یابی این مسئله، تأمل روی سؤالات ذیل و رسیدن به پاسخ‌های دقیق و شفاف به هر سؤال ضروری می‌نماید.

سؤالات:

۱-۱) علت اصلی به وجود آمدن این مسئله چیست؟ آیا مشکل در نبود عزم راسخ و میل و اراده مردم است؟ یا عدم شناخت و اعتقاد مسئولین از توانمندی‌های مردم؟ و یا فراهم نکردن زمینه‌های حضور برای نقش‌آفرینی مؤثر آنان؟

۱-۲) آیا دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی از حضور مؤثر مردم برای دولت‌سازی و جامعه‌سازی استقبال می‌کنند؟ یا این حضور را مانع و مزاحمتی برای کارهای خود می‌دانند؟

۱-۳) مسائلی مانند فقر، فساد، تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه ما وجود دارد. تا چه اندازه علت این تباهی‌ها را کنار کشیدن مردم از وظایف نظارتی‌شان، بر دستگاه‌های اجرایی می‌دانید؟

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار دوم - دولت اسلامی، جامعه اسلامی

■ اکنون دولت اسلامی باید تشکیل شود - دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا - اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه کن می شود... ما در کدام مرحله ایم ما در مرحله سومیم (مرحله سوم انقلاب) ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده ایم، هیچکس نمی تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است.^۱

■ اما دولت اسلامی ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن ها داشت را تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه خواری نباشد، کم کاری نباشد، بی اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی گری نباشد، حیف و میل بیت المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.^۲

■ اسم ما که دولت اسلامی باشد کافی نیست، باید عمل و جهت گیری ما اسلامی باشد... اگر دولت اسلامی شد، آن وقت کشور ما اسلامی خواهد شد... چرا مردم را بی خود ملامت می کنیم.^۳

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۲. خطبه های نماز جمعه ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

۳. رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

بررسی و تحلیل:

این بیانات صریح و تکان‌دهنده که حدود بیست سال قبل بیان شده، نشان می‌دهد همچنان در چنبره نواقص، موانع و ضعف‌های بزرگی قرار داریم که مانع اسلامی شدن دولت و کشور شده است و با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه‌های دفاعی، علمی، سازندگی و زیرساختی، در برخی موضوعات محتوایی و ارزشی انقلاب، نه تنها پیشرفتی حاصل نکرده‌ایم بلکه پس رفت هم داشته‌ایم! (به خصوص طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰)

آیا مردم مؤمن و انقلابی ایران که با همه وجود پای کار اسلام و اهداف والای آن بوده و هستند و با تقدیم قریب سیصد هزار شهید بر این واقعیت مهر تأیید زد؛ نباید بدانند چرا هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم؟! علت اصلی و موانع چیست و چگونه باید برطرف شود؟ مردمی که همه‌گونه پای کار انقلاب‌اند حق دارند بدانند چرا هنوز از دولت اسلامی برخوردار نیستند و چگونه باید انقلابشان را از این مرحله (مرحله سوم) عبور دهند و این همان سؤال اساسی و گم شده‌ای است که در بخش اول کتاب، سعی داریم به پاسخ آن دست یابیم.

همه ما از فقر، فساد، تبعیض و بی‌عدالتی و ویژه‌خواری‌ها و کم‌کاری‌ها رنج می‌بریم و آرزو داریم این ضعف‌های بزرگ و ناپسند، از جامعه و دستگاه‌های نظام رخت بر بندد. اما چگونه؟ بر اساس اصل مردمی بودن انقلاب، بی‌شک این معضل بزرگ نیز مانند دیگر بحران‌ها و مشکلات عمده، به دست توانمند مردم، به ویژه مؤمنین و متعهدین به انقلاب قابل رفع است؛ اما به دلیل پیچیدگی‌های نحوه حضور و نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های دولت‌سازی و جامعه‌سازی، هنوز شاهد حضور گسترده و میلیونی مردم برای این مهم و فرهنگ‌سازی اسلامی نیستیم و این همان مسئله اصلی انقلاب است که رهبری از ابتدای سال ۹۰ با مردم و مسئولان طرح موضوع کردند و در گام دوم انقلاب، به یاری خدای متعال امید است این حضور

گسترده مردمی و این حرکت عمومی محقق شود.

تأمل در سؤالات ذیل و رسیدن به پاسخ‌های روشن و کاربردی، ما را در این راه کمک می‌کند.

سؤالات:

۱-۲) علت اصلی ضعف و عقب‌ماندگی بیست-سی ساله در حوزه دولت اسلامی چیست؟ چرا همچنان رشوه، فساد، ویژه‌خواری، کم‌کاری و بی‌اعتنایی به مردم در دستگاه‌ها وجود دارد و امروز به مسئله اولویت‌دار مردم تبدیل شده است؟

۲-۲) این مشکل اساسی چگونه و با محوریت چه کسانی باید بر طرف شود؟

۳-۲) نقش مردم متعهد و انقلابی در این رابطه چیست و چه کارهایی باید می‌کردند که نکردند؟

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



■ در همه مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند، با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند، ... اقتصاد کشور، تولید کشور می‌تواند به وسیله همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفایی پیدا کند.^۱

■ کار وقتی دست خود مردم سپرده شد، که صاحبان کشورند... آن وقت کارها به سامان خواهد رسید... هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است. هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند این‌ها قرار دادیم، کار متوقف مانده است؛ یا کند پیش رفته است، اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند... مردم اینجورند، هر جا صحنه به مردم سپرده شد، انگیزه‌های مردمی، نیروهای متنوع و متکثر مردمی، کار را پیش خواهد برد.^۲

■ کلید اصلی اینجاست، حضور مردم در همه مسائل، حل کننده مشکلات است و هر آن چیزی که حضور مردم را تأمین کند، تشویق کند... مغتنم است. حضور مردم هیچ جایگزین دیگری ندارد. هنر اصلی انقلاب هم همین بود.^۳

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. دیدار با مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

۲. مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

۳. مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

بررسی و تحلیل:

استفاده رهبر انقلاب، از واژه «کلید اصلی»، نشان دهنده مسئله مهم قفل شده‌ای است که می‌بایست با این کلید باز شود. در گفتار اوّل، مشخص شد که حضور مردم همراه با میل و اراده و عزم راسخ آن‌ها برای حل مشکلات بزرگ و بحران‌های اجتماعی، مسئله اصلی انقلاب است. بیان رهبری مبنی بر اینکه «مسئولین باید بتوانند با مهارت و ابتکار راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند.» نشان می‌دهد باز شدن این قفل رمز و رازهایی دارد که پس از کشف آن‌ها و زمانی که انجام امور از انحصار مسئولان و رؤسا خارج شد و به مردم محول گشت؛ می‌توان گفت این قفل بزرگ باز شده است. باید توجه داشت که باز شدن این قفل نه تنها برای سرنوشت انقلاب، بلکه برای اسلام عزیز حیاتی است. چون اهداف اصلی انقلاب اسلامی در مراحل سوم و چهارم خود - بر اساس تعریف رهبری - باید محقق شود و در صورتی که انقلاب، این اهداف مرحله‌ای خود را محقق نسازد، نمی‌توانیم به سمت تمدن‌سازی حرکتی داشته باشیم. از این رو نقش اساسی، تعیین‌کننده و بی‌بدیل مردم در پیشبرد اهداف والای اسلامی در جامعه معلوم می‌گردد. چنانچه از این منظر به آیات جهاد و پاداش‌های اخروی آن بنگریم و به قرار گرفتن عمل صالح در همه جای قرآن، در کنار ایمان، توجه کنیم، آن وقت به نقش اساسی مردم مؤمن و متعهد در پیشبرد اهداف انقلاب و یاری دین خدا، پی خواهیم برد و همه سعی و تلاش خود را برای جلب رضایت الهی و برآورده ساختن انتظارات خدای متعال به کار خواهیم بست.

سؤالات ذیل و پاسخ دقیق به آن‌ها، به ما کمک می‌کند تا بهتر و سریع‌تر به راه کارهای عملی برای نقش‌آفرینی مؤثر خود، در این مقطع حساس از تاریخ اسلام و حل مسئله اصلی انقلاب پی ببریم:

سؤالات:

۱-۳) آیا این «عدم حضور و مشارکت مؤثر مردم در کارها» تاکنون برای مسئولین، به عنوان یک مسئله راهبردی مطرح بوده است؟ اگر نه، چرا؟

۲-۳) اگر کارها به دست مردم سپرده شد، آن وقت دستگاه‌های دولتی و اجرایی چه وظایفی برایشان باقی می‌ماند؟ منظور دقیق از سپردن کارها به دست مردم چیست؟

۳-۳) مردم چگونه باید به ایفای نقش‌های نظارتی خود، بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی بپردازند؟ (با توجه به اینکه؛ هیچ دستگاهی، از مردم برای این کار دعوت به عمل نمی‌آورد!)

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار چهارم - ضرورت جبهه سازی از مردم در گام دوم

■ ما اگر بخواهیم در مقابل این جبهه (دشمن) کار کنیم، هم باید تنوع داشته باشیم، هم ابتکار، هم انگیزه و هم برنامه داشته باشیم. کارمان برنامه هدایت شده باشد و این نمی شود مگر با تشکیل جبهه، این طرف هم بایستی جبهه تشکیل داد، از افراد و حتی مجموعه ها به تنهایی کار بر نمی آید، باید یک کار وسیع جبهه ای انجام داد. این کار هم جز با حضور مردم امکان ندارد.^۱

■ حضور مردم در هر دو عرصه، لازم و ضروری است. هم در عرصه اقتصاد و هم در عرصه فرهنگ، بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود اولیه، تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه های گوناگون مردمی، با اراده و عزم راسخ ملی می توانند نقش آفرینی کنند.^۲

■ در مقابل فعالیت هزاران نفر از جبهه دشمن علیه مسائل گوناگون ایران، باید میلیون ها نفر آماده دفاع، ضربه و حمله متقابل در امور تبلیغاتی و انواع کارهای ممکن برای ملت باشند.^۳

■ اصل ولایت به معنای به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی است که دارای یک فکر و جویای یک هدف واحد هستند (حزب الله) و از جبهه های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. دیدار با مجموعه فرهنگی اجتماعی قرب بقیه الله الاعظم ؟ ؟ ۱۳۹۲/۰۲/۰۲
۲. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۳. جلسه درس خارج فقه و تشکر از حضور ملت ایران در انتخابات ۱۳۹۸/۱۲/۰۴
۴. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۴۹۳

بررسی و تحلیل:

بر اساس این بیانات، حضور غیر مؤثر و پراکنده مردم مؤمن و متعهد، مسائل مختلف و مشکلات جامعه را حل نخواهد کرد و می‌بایست این حضور به صورت جبهه‌ای و میلیونی اتفاق بیفتد. یعنی مردم با ایمان در قالب گروه‌های متنوع و متکثر باید به میدان آمده و با عزمی راسخ و به صورت خودجوش و شبکه‌ای به نقش‌آفرینی در حل مسائل مختلف محله و شهر خود بپردازند.

حضور میلیونی و سازماندهی شده مردم و نوع به‌کارگیری آن‌ها در دفاع مقدس، تجربه ارزشمندی برای انقلاب است. لکن تفاوت‌های عمده‌ای با حضور خودجوش مردم و عمل آتش به اختیار آن‌ها در قالب گروه‌های کوچک مردمی، در گام دوم انقلاب دارد و همین تفاوت‌ها و پیچیدگی‌ها است که آن را به یک مسئله اصلی برای انقلاب تبدیل کرده و کلید حل آن، به دست جوانان متعهد و انقلابی است. صدور فرمان آتش به اختیار از سوی رهبری خطاب به آن‌ها نیز در همین راستا قرار دارد. وقتی رهبری در ابتدای سال ۹۷ از جوانان با اصرار می‌خواهند که؛ «هر جایی دستشان می‌رسد خودشان کار کنند، اقدام کنند، تأسیس کنند، ابتکار کنند.»^۱ گویای این واقعیت و تفاوت‌های این حرکت مردم با حرکت‌های دیگر آنان، در گام اول انقلاب است.

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۹۷/۰۱/۰۱

تأمل روی این نوع سؤالات راهبردی و پاسخ دقیق به سؤالات ذیل، در فهم بهتر جبهه‌سازی به ما کمک می‌کند.

سؤالات:

۱-۴) به نظر شما چند درصد از مردم مؤمن، ولایی و انقلابی ما آمادگی دارند، در قالب گروه‌های کوچک مردمی، به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خودجوش برای حل مسائل مختلف جامعه مشغول شوند؟

۲-۴) به نظر شما چند درصد از مردم متعهد و انقلابی، تاکنون در قالب گروه‌های متنوع مردمی متشکل شده و به حل مسائل مختلف شهر و دیار خود مشغول‌اند؟

۳-۴) اگر از نظر شما درصد کمی از مردم مؤمن و متعهد-به این صورت- پای کار جامعه‌سازی آمده‌اند، علت آن را بیان کنید و اگر توسعه این کار به گفتمان‌سازی بیشتر نیاز دارد، چرا این گفتمان‌سازی هنوز آغاز نشده و کار چه کسانی است؟

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درگام دوم
انقلاب اسلامی

معنای گام دوم انقلاب و راهبردهای تحقق آن

در مقدمه، ضمن تشریح تفاوت عمده گام‌های اول و دوم انقلاب، این جمع‌بندی حاصل شد که اقدامات گام دوم، عمدتاً جنبه‌های ایجابی و ایجادی دارد و اهداف دولت‌سازی و جامعه‌سازی را دنبال می‌کند. در این بخش با توجه به پیچیدگی‌های این نوع از حرکت‌های مردمی در گام دوم، تلاش بر این است تا ماهیت این گام، نحوه اجرای آن، الزامات و سازوکارهای اجرایی مورد نیاز برای پیاده‌سازی اهداف والای اسلامی، بر اساس دیدگاه‌ها و نظرات رهبر معظم انقلاب؟؟ روشن گردد.



گفتار پنجم معنای گام دوم انقلاب

■ انقلاب یعنی تغییر بنیادین همهٔ نهادهای اصلی زندگی جامعه - آنچه غلط، کج و نابجاست - و این امری است که در طول زمان و به تدریج با تلاش و مجاهدت دائمی انجام می‌گیرد.^۱

■ اینکه ما گفتیم گام دوم، معنایش این است که همان انگیزه‌ای، همان حرکتی، همان همت بلندی که توانست این کشور را بعد از سال‌های متمادی از زیر لگد استعمارگران و مستکبرین خارج کند... امروز هم وجود دارد برای اینکه بتواند یک حرکت عظیمی را انجام دهد و ان‌شاءالله این حرکت عظیم به آیندهٔ روشن ملت ایران منتهی خواهد شد.^۲

■ در انقلاب اصل بر حرکت است، حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص، که تارسیدن به هدف یعنی: حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطنی طاغوت ادامه می‌یابد.^۳

■ خُب ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز انقلاب نیاز داریم، باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد، البته این حرکت وجود دارد، منتهی بایستی، (۱) انضباط پیدا کند، (۲) سرعت پیدا کند و (۳) پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است نه هر جوانی.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. دیدار با مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

۲. دیدار با کارگران ۱۳۹۸/۰۲/۰۴

۳. کتاب عهد مشترک صفحه ۹۱

۴. دیدار با دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

بررسی و تحلیل:

از دیدگاه رهبری، حرکت انقلاب، یک حرکت تدریجی است که در طول زمان اتفاق می‌افتد و ماهیت حرکت انقلابی مردم در گام دوم، شباهت زیادی به حرکت قبل از انقلاب دارد که؛ عموم مردم با همت بلند خود توانستند انقلاب را به پیروزی برسانند. تأکید ایشان بر اینکه «امروز هم همان همت بلند وجود دارد برای اینکه بتواند یک حرکت عظیمی را انجام دهد». بیانگر این است که حرکت عمومی مدّ نظر در گام دوم، همانند حرکت مردم در مرحله اول انقلاب، ویژگی‌های نهضتی و یک قیام عمومی نرم را دارد. با این تفاوت که این بار، حرکت مردم می‌بایست سیستم‌های غلط و نظامات رضاخانی به‌جامانده از قبل و نیز سبک‌های زندگی غربی ترویج یافته در کشور را از بین ببرد و به‌جای آن، قوانین و ضوابط کاملاً اسلامی و عدالت محور و توحیدی را حاکم کند تا از این طریق، دولت و جامعه به مرور اسلامی شود و «این حرکت عظیم ان‌شاءالله به آینده روشن ملت ایران منتهی شود»^۱

براساس دیدگاه رهبری که می‌فرمایند: «در انقلاب اصل بر حرکت است، حرکتی هدف‌دار، پیوسته و خستگی‌ناپذیر»، این حرکت عمومی مورد انتظار در گام دوم را باید یک حرکت سرنوشت‌ساز برای انقلاب تلقی کرد، که هدف آن تکمیل مراحل سوم و چهارم انقلاب، یعنی اسلامی شدن دولت و جامعه است و باید تا رسیدن به هدف نهایی «حاکمیت بخشیدن به دین خدا» ادامه یابد. محور این حرکت و قیام نیز بر عهده جوانان متعهد است که می‌بایست آن را از کندی خارج کرده و سرعت ببخشند.

وقتی رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۸ می‌فرمایند: «حُب ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز انقلاب نیاز داریم و باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیافتد». (یا حرکت ایجاد شده باید از کندی خارج شود و سرعت بگیرد)، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند، که ایشان در گام دوم مردم را به یک قیام عمومی دعوت کرده‌اند و از جوانان متعهد انتظار دارند، محوریت این حرکت عمومی را بر عهده بگیرند.

۱. دیدار با کارگران ۱۳۹۸/۰۲/۰۴

تأمل در سؤالات ذیل و یافتن پاسخ‌های شفاف و عملیاتی برای هر کدام، می‌تواند ما را در ادامه دادن به مسیر شهدا یاری دهد:

سؤالات:

۱-۵) در صورتی که شرایط اقتصادی و معیشتی مردم را مانع اصلی برای سرعت گرفتن این حرکت عمومی می‌دانید، به این سؤال پاسخ دهید که چرا رهبری این اوضاع را مانع ندانسته و همچنان مطالبه حرکت عمومی را دنبال می‌کنند؟

۲-۵) آیا منظور رهبری از حرکت عمومی در گام دوم، حرکت همه مردم است یا فعلاً از مردم متعهد، دین‌دار و انقلابی انتظار حرکت، قیام و تشکیل جبهه مردمی را برای جامعه‌سازی دارند؟

۳-۵) چنانچه مسائل اقتصادی، شکاف طبقاتی، فساد و بی‌عدالتی را مشکلات اصلی جامعه و مردم بدانیم، آیا دولت‌ها و دستگاه‌های اجرایی، بدون حضور مؤثر و میلیونی مردم، خود به تنهایی می‌توانند بر این مشکلات غلبه کنند؟

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار ششم الزامات اولیه برای شروع حرکت عمومی

■ درست توجه کنید: یک حرکت عمومی معقول و منضبط. وقتی می‌گوییم منضبط یعنی حرکت غوغا سالارانه و بلبشویی و مانند این‌ها نباشد (که ارزشی ندارد). اگر بخواهد (این حرکت) صحیح، منظم و عقلایی انجام بگیرد به چند چیز نیاز دارد: اولاً نیاز دارد؛ به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد. یعنی کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکت‌اند یا لاقط تحریک‌کننده این حرکت‌اند بایستی صحنه را درست بشناسند. عناصر درگیر در این صحنه را درست بشناسند.

عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که؛ این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد، یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول... این جهت‌گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است. یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه اسلامی و حرکت عمومی، باید ما را به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

عنصر سومی که این حرکت نیاز دارد این است که؛ یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد. یک نقطه روشنی باید وجود داشته باشد... (در غیر این صورت) این حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه ما وجود دارد و برای مردم در دسترس است.^۱

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

بررسی و تحلیل:

بر اساس تأکید رهبر انقلاب، حرکت عمومی مردم در گام دوم می‌بایست منضبط و معقول باشد و لازمه‌اش این است که افراد محوری این حرکت باید:

اولاً- مخالفین شرایط امروز انقلاب و صحنه‌های نبرد آن را با دشمنان خارجی و داخلی خوب بشناسند و توان تحلیل شرایط و ریشه‌یابی مشکلات و شناخت موانع پیش‌رو را داشته باشند؛ همچنین بر صحنه‌های مختلف موردی که میدان رزم و عملیات آن‌ها را تشکیل می‌دهد اشراف داشته باشند، تا دچار خطا و یا انحراف در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات هدایتی خود نشوند.

ثانیاً- جهت‌گیری حرکت‌ها را به سمت اسلامی شدن دستگاه‌ها و جامعه قرار دهند و برای این جهت‌دهی اسلامی، می‌بایست توانمندی‌های لازم را در خود ایجاد کنند.

ثالثاً- می‌بایست عوامل امیدبخش را در خود تقویت کنند و قادر باشند با یأس پراکنی‌ها مقابله کرده و نقاط روشن امیدبخش را شناسایی و تبیین کنند. حتی قدرت تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را داشته باشند. همچنین قدرت غلبه بر فضای موجود خودتخریبی را، که متأسفانه با غفلت نیروهای انقلابی در حال گسترش است، دارا باشند و بدانیم اگر این الزامات وجود نداشته باشد، حرکت عمومی به سمت اهداف انقلاب پیش نمی‌رود و یا منحرف می‌شود.

برای رسیدن به پاسخ‌های دقیق و صادقانه به سؤالات زیر، وقت بگذاریم و تأمل داشته باشیم.

سؤالات:

۶-۱) به نظر شما نیروهای مؤمن و متعهد انقلاب، تا چه میزان بر شاخص‌های اسلامی شدن دولت و جامعه اشراف دارند، تا بتوانند، جهت‌گیری حرکت عمومی را به سمت اسلامی شدن دولت و توسعه سبک زندگی اسلامی تمدن ساز هدایت کنند؟

۶-۲) چنانچه عوامل امیدبخش را نمی‌شناسیم و یا بر ظرفیت‌های بی‌نظیر یا کم‌نظیر داخلی کشور و جامعه‌مان اشراف نداریم، برای رفع این نقیصه و ضعف بزرگ در خودمان چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

۶-۳) چنانچه این الزامات اولیه را در خود ندیدیم، آیا نبود آن‌ها، می‌تواند توجیهی برای بی‌عملی ما و قرار نگرفتن در جبهه فعال انقلاب قرار گیرد؟

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار هفتم نحوه اجرا و مسئولیت پیاده سازی گام دوم

■ (برای) یادآوری آرمان‌ها، مطرح کردن و خواستن آرمان‌ها... اینجا لشکری از جوان‌های مؤمن و انقلابی لازم است که وارد میدان شوند، مطالبه کنند آرمان‌ها را و خودشان کمک کنند به تحقق این آرمان‌ها.^۱

■ اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که؛ این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.^۲

■ حالا شما یک جوان متعهد هستید، می‌خواهید در این حرکت عمومی شرکت داشته باشید، شیوه حضور شما چگونه است... آن چهار عنصری که گفتیم برای یک حرکت عمومی نیاز است این است که تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتهی این آخری که مسئله راهکارهای عملی باشد احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه به لحظه برای اینکه این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است... این نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است و نه به عهده دستگاه‌های دیگر است، بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوش‌بختانه امروز ما این را کم هم نداریم... این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند.^۳

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. دیدار با دانشجویان ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

۲. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۳. دیدار با دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

بررسی و تحلیل:

بر اساس بیانات فوق دو نوع اقدام برای کمک به شکل‌گیری حرکت عمومی مردم باید انجام شود: (۱) تبیین و گفت‌وگوسازی (۲) اجرا و پیاده‌سازی. رهبر معظم انقلاب اقدام اول را بر عهده افراد دارای ذهن فعال و زبان گویا قرار داده‌اند و اقدام دوم را به عنوان یک کار اجرایی، بر عهده حلقه‌های میانی از جریان‌های مختلف می‌سپارند. ایشان تأکید می‌کنند که این کار نه بر عهده رهبری و دولت است، نه بر عهده هیچ دستگاه دیگر. بلکه بر عهده مجموعه‌هایی از خود مردم است به نام «جریان‌های حلقه‌های میانی».

به نظر می‌رسد رهبر انقلاب، برای اولین بار، مردم را مستقیماً و به صورت خودجوش برای یک حرکت بزرگ عمومی دعوت کرده‌اند و حتی گفت‌وگوسازی این حرکت و برنامه‌ریزی اجرایی آن را هم از مجموعه‌های حاکمیتی و دولتی نخواستند و به طور شفاف و مؤکداً از مجموعه‌های مردمی می‌خواهند که، علاوه بر انگیزه‌بخشی این حرکت، حتی برای اجرای آن هم، برنامه‌ریزی کنند! توجه داشته باشیم؛ این مطالبه عمومی از جوانان برای یک حرکت جهادی، به معنای دعوت به قیام و آغاز یک نهضت بزرگ اجتماعی، در راه جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است.

تأمل روی سؤالات ذیل و پاسخ دقیق به آنها به ما کمک می‌کند تا وظایف و تکالیف انقلابی خودمان را در این مقطع حساس انقلاب بهتر بشناسیم.

سؤالات:

۱-۷) چرا رهبری انقلاب تأکید می‌کنند؛ اقدام برای شکل‌گیری این حرکت عمومی، بر عهده ایشان، یا دولت و حتی دستگاه‌های دیگر نیست و صرفاً وظیفه مجموعه‌هایی از خود مردم است؟

۲-۷) چه کسانی می‌توانند نقش مهم و تعیین‌کننده حلقه‌های میانی را در گام دوم انقلاب بر عهده بگیرند؟ ویژگی‌ها و توانمندی‌های این افراد چیست؟

۳-۷) چرا تبیین این حرکت عمومی را بر عهده افراد دارای ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا قرار داده‌اند؟ آیا این افراد، کار جهادی اولویت‌دار خود را، تبیین حرکت عمومی مردم در گام دوم قرار داده‌اند؟ اگر پاسخ منفی است، چرا؟

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار هشتم - ضرورت خود جوش و خود کار بودن جوانان در گام دوم انقلاب

■ اینکه بنده اصرار دارم، جوان‌ها هر جایی که دستشان می‌رسد، خودشان کار کنند، اقدام کنند، تأسیس کنند، ابتکار کنند به خاطر این است... اینکه ما گفتیم آتش به اختیار فقط مخصوص کارهای فرهنگی نیست. در همه زمینه‌هایی که برای پیشرفت کشور مؤثر است، جوان‌ها می‌توانند نقش آفرینی کنند. همه مشکلات ما به توفیق الهی و به هدایت الهی به دست جوانان ما قابل حل است.^۱

■ ظرفیت بالفعل کشور شما جوان‌ها هستید، این تصویر واقعی است و شما جوان‌های عزیز هم ان شاء الله در میدان عمل، در میدان فعالیت، در میدان تحرک اقتصادی، در میدان کار آفرینی، در میدان کار و تلاش فردی و جمعی، در میدان شبکه‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگی، در میدان حرکت‌های لازم آتش به اختیار در هر جایی که احساس بشود، ان شاء الله پیروز و موفق خواهید بود.^۲

■ از شما دانشجویان انتظار است که شماها باید خودجوش باشید، باید خود کار باشید باید منتظر این نباشید که شما را به کار وا دارند... باید خود کار حرکت کنید... هر کدام در هر قسمتی که توانایی‌اش را دارید بایستی خودجوش و خود کار باشید، مثل مبارزه است، مبارزه زمان طاغوت.^۳

■ گفتم جوان‌های متعهد حزب‌الهی، یعنی واقعاً باید حزب‌الهی باشند - به معنای درست کلمه حزب‌الهی - آن وقت حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می‌کند و انجام می‌گیرد.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱
۲. همایش ده‌هزار نفری بسیجیان در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲
۳. دیدار با دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱
۴. دیدار با مسئولان نظام ۱۳۶۹/۰۳/۲۲

بررسی و تحلیل:

همان طور که در موضوعات اول و سوم ملاحظه فرمودید، رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ (قریب چهار سال) مسئولین نظام را مخاطب قرار دادند تا برای حضور مردم و نقش آفرینی مؤثر آن‌ها در حل مسائل و مشکلات جامعه، راه کارهایی را بیابند و البته اتفاقی هم به وقوع نپیوست. لازم است بدانیم معظم له از ابتدای چهلمین سال انقلاب (یعنی ۱۳۹۷) دیگر این خواسته را از مسئولین و یا دستگاه‌ها، مطالبه نفرمودند و مستقیماً جوانان متعهد انقلابی را مخاطب خود قرار داده و بر حرکت‌های خودجوش و آتش به‌اختیار آن‌ها، تأکید می‌نمایند.

به راستی چرا رهبری خواسته خود را (در سال ۹۷) با این جمله آغاز می‌کنند؟! «اینکه بنده اصرار دارم جوان‌ها هر جایی دستشان می‌رسد، خودشان کار کنند، اقدام کنند، تأسیس کنند» این اصرار رهبری از جوانان متعهد و انقلابی، چه بار معنایی دارد؟ آیا غیر از این است که از دستگاه‌ها و دیگر مسئولان - خیری در رابطه با «به میدان آوردن مردم» ندیدند و برای جوانان آرزو می‌کنند که در همه میدان‌ها از جمله: «میدان شبکه‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگی و حرکت‌های لازم آتش به‌اختیار موفق و پیروز باشند».

ایشان در سال ۱۳۹۸ و بعد از گذشت ۴۱ سال از پیروزی انقلاب، با مطالبه احساس مسئولیت بیشتر در جوانان و فعالیت‌های خودکار و جهادی آن‌ها و تأکید بر سختی‌های این جهاد بزرگ، اذعان می‌دارند که «این حرکت‌ها مثل مبارزه است، مبارزه زمان طاغوت!» با این تعبیر، باید باور کنیم که در گام دوم انقلاب، قرار است به یاری خدای متعال، اتفاقات بزرگی را شاهد باشیم که رهبری، اینگونه از جوانان متعهد می‌خواهند محوریت حرکت‌های خودجوش مردمی را با جدیت بر عهده گیرند و با عقلانیت و یک نظم انقلابی، مردم را به صورت میلیونی به میدان‌های عمل جهادی، در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی و... وارد کنند.

پاسخ به سؤالات ذیل به ما کمک می‌کند تا راه‌های عملی برای محور شدن در حرکت عمومی گام دوم را بهتر بشناسیم؟

سؤالات:

۱-۸) چرا رهبر انقلاب از جوانان کشور انتظار حرکت خودجوش، خودکار و عمل آتش به اختیار دارند و میدان عمل را برای آنها باز کرده‌اند؟

۲-۸) چرا این حرکت را یک مبارزه، آن‌هم مثل مبارزه زمان طاغوت، می‌دانند؟ چه ویژگی‌هایی از این مبارزه، با مبارزات زمان طاغوت مشابهت دارد؟

۳-۸) چرا با وجود این‌همه تأکید و اصرار رهبری برای ورود جوانان متعهد و انقلابی به این جهاد جامعه‌ساز و تمدن‌ساز، هنوز بخش قابل توجهی از این جوانان وارد عمل نشده‌اند؟ مابقی، چگونه باید به این میدان ترغیب شوند؟

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تکلیف الهی مؤمنین در جامعه سازی اسلامی

خدای متعال علاوه بر دستورات دینی فردی، مجموعه‌ای از تکالیف اجتماعی را نیز برای مؤمنین تعیین فرموده که متناسب با شرایط زمانی و وضعیت‌های مختلف، عمل به آن‌ها متفاوت است. عنوان کلی که بر اینگونه اعمال اطلاق می‌شود، همان عمل صالح است، که در قرآن کریم همه جا، به نوعی در کنار ایمان ذکر شده و شرط پذیرش ایمان هم، همین اعمال صالح مومنین است.

آیت‌الله خامنه‌ای؟، طی سال‌های پیش از انقلاب، با هدف تبیین این تکالیف اجتماعی و ایجاد انگیزه در مردم و به ویژه جوانان مؤمن انقلابی، برای حضور فعال و قدرتمند در میدان مبارزه، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» را طی سی جلسه سخنرانی مطرح و تشریح کردند و امروز این سخنرانی‌ها در کتابی با همین نام جمع‌آوری و تدوین شده است.

نکته قابل توجه این است که تمامی تکالیف بیان شده در طرح کلی اندیشه اسلامی، قابلیت تطبیق با شرایط امروز انقلاب را هم دارد. در واقع دعوت به قیام و حرکت عمومی مردم -توسط رهبر انقلاب- در بیانیه گام دوم را باید عمل به همین فرامین و تکالیف الهی دانست که بی‌توجهی یا قصور و کوتاهی در عمل به آن‌ها، بی‌تردید موجب خسران و مؤاخذه الهی برای مؤمنین، به ویژه در این دوران حساس از تاریخ اسلام خواهد شد. چون در گام دوم انقلاب، حجت بر همه مؤمنین و مؤمنات تمام شده است. حقانیت راه انقلاب اسلامی به اثبات رسیده و خون صدها هزار شهید پشتوانه آن است؛ که در گام دوم انقلاب با هدایت رهبری می‌بایست، به یاری خدای متعال، این خون‌های پاک به ثمر بنشیند و علاوه بر دستاوردها و پیروزی‌های گام اول، بر اساس بشارت الهی در آیه «وَأَخْرَىٰ بُحْبُورَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۱ قرار است نصر و فتح قریبی که همه ما آن را دوست داشته و در انتظارش هستیم، نصیبمان گردد. مشروط بر آنکه؛ مومنین و مومنات، به این یک نصیحت الهی «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنِئِي وَفُرَادَى»^۲ گوش جان سپرده و با دعوت اولی‌الامرمان در گام دوم انقلاب، جهاد همه جانبه در راه خدا را به صورت یک حرکت جمعی و گسترده، به یاری خدای متعال آغاز کنیم.

در این بخش از کتاب نیز، به تفکیک هر موضوع، چکیده‌هایی از بیانات رهبری از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی، ذکر شده که از مسیرهای مختلف اثبات می‌کند؛ یک مؤمن واقعی، بدون یاری دین خدا و فعالیت‌های جهادی (در حرکت‌های اجتماعی و جامعه‌ساز)، نمی‌تواند ادعای ایمان خود را در محضر خدای متعال اثبات کرده و انتظار ورود به بهشت برین الهی و رفاقت با انبیا، صلحا و شهدا را داشته باشد.

۱. سوره مبارکه صف آیه ۱۳

۲. سوره مبارکه سبا آیه ۴۶

برای فهم دقیق و کامل این تکالیف، در این بخش نیز، ذیل هر موضوع، سؤالاتی مطرح شده که تأمل و تعمق روی پاسخ آن‌ها، می‌تواند هر فرد مؤمن و انقلابی را به یک عمل صالح در مسیر جامعه‌سازی مورد نظر هدایت کند. بدیهی است، مجموع این اعمال صالح، همان حرکت بزرگ عمومی و اجتماعی است که رهبری انقلاب در گام دوم انتظار دارند. همچنان که در بیانات روز ۱۴ خرداد سال جاری (۱۴۰۱) فرمودند: «باید ظرفیت‌های ایمان مردمی را به عمل صالح تبدیل کنید.» بیانگر همین انتظار است و ان‌شاءالله شکل‌گیری و تسریع آن، انقلاب اسلامی را به اهداف والایش نزدیک ساخته و زمینه‌های ظهور حضرت حجت؟؟ را به یاری خدا فراهم می‌سازد.

در این بخش، با عنایت به هدف‌گذاری مذکور، به طرح بیانات و بررسی و تحلیل آن‌ها و نیز سؤالات مربوط به هر گفتار، می‌پردازیم.



گفتار نهم

تعهدی که اصل توحید بر دوش یک جامعه موحد می‌نهد

■ تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، شامل مهم‌ترین، بزرگ‌ترین، اولی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل یک جامعه است... ما معتقدیم که تعهد توحید و مسئولیتی که بار دوش موحد می‌شود، مسئولیتی است؛ در حد تکالیف اساسی و حقوق اساسی یک جامعه.^۱

■ جامعه توحیدی کدام است... وقتی که نبی وارد اجتماع می‌شود، با این هدف وارد می‌شود که آن جامعه طبقاتی را دگرگون کند... و یک جامعه بی‌طبقه توحیدی و بی‌تبعیض و بی‌ظلم تحت حکومت خدا به وجود بیاورد.^۲

■ توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن، این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیاندازیم.^۳

■ بزرگ‌ترین وظیفه جمهوری اسلامی آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را به صورت یک جامعه نمونه اسلامی در آورد.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۲۷۵

۲. همان، صفحه ۴۵۱

۳. کتاب عهد مشترک صفحه ۵۰

۴. همان، صفحه ۱۹۷

بررسی و تحلیل:

بی شک، همه ما به اصل توحید معتقدیم و آن را مهم ترین و محوری ترین اصل اعتقاد دینی خودمان می دانیم. اما آن چنان که باید نسبت به تعهدات اساسی و مهمی که این اصل اعتقادی بر دوشمان می گذارد، واقف نبوده و نیستیم. اگر قبل از این، واقف نبودیم، شاید عذرمان موجه باشد، لکن امروز در گام دوم انقلاب و پس از این همه تأکید رهبری در رابطه با جامعه سازی و دعوت عمومی از جوانان برای محوریت این حرکت، آیا عذری قابل قبول است؟

مهم ترین هدف انبیا؟، ساختن یک جامعه توحیدی و بدون تبعیض و بی عدالتی است که با احکام الهی اداره گردد. انقلاب اسلامی هم که در واقع، استمرار حرکت انبیا؟ است، همین اهداف را باید دنبال کند. تا کنون نیز امام و رهبری با تبیین دقیق آرمان ها و اهداف تعیین شده انقلاب، نظام اسلامی را تا مرحله سوم خود و نقطه جهش به سوی تمدن سازی اسلامی، پیش برده اند.

در همین راستا بر جامعه مؤمنین فرض است که با در نظر گرفتن حجت های تمام شده و آشکار شدن راه های نورانی و شفاف هدایت توسط امامین انقلاب و شهدای گرانقدرمان، به تکلیف خود در این زمینه عمل کنند. شکی نیست که صرفاً محبت داشتن به انبیا؟، اولیا و شهدا، به تنهایی کافی نیست و اثبات این محبت، مجاهدتی مؤمنانه می طلبد. عشق و علاقه تنها به حاج قاسم عزیز، بدون تلاش و اهتمام به اصول مکتب و راه او، اهمیت چندانی ندارد؛ از همین رو لازم است به سؤالات ذیل بیندیشیم، تا به پاسخ های شفاف و عملی بر اساس تکالیف الهی و تعهداتی که اعتقاد به اصل توحید بر دوش ما می گذارد، دست یابیم.

سؤالات:

۹-۱) به نظر شما تا کنون انقلاب اسلامی، در بُعد نفی طواغیت «لا اله» چقدر موفق بود؟ و در بُعد اثباتی کلمه توحید «الا لله» تا چه میزان مؤفقیت داشته؟ و توانسته حدود الهی و ارزش‌های اسلامی - از جمله عدالت - را محقق سازد؟

۹-۲) چنانچه معتقدیم همه مؤمنین موحد، به تکالیف الهی و انقلابی خود عمل کرده و می‌کنند، پس چرا وضعیت جامعه ما این چنین است؟ این فقر و فساد و تبعیض و بی‌عدالتی چیست که شاهد آن هستیم و از آن رنج می‌بریم؟

۹-۳) به نظر شما چه درصدی از مؤمنین موحد و انقلابی در حال حاضر به این تکالیف الهی، با جدیت و مجاهدانه عمل می‌کنند و اگر درصد کمی از آن‌ها فعال هستند، چرا؟

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



■ ایمان بر طبق فرهنگ غیرقابل تردید قرآن، صرفاً یک امر قلبی نیست، این یک مسئله است... آن ایمانی از نظر اسلام ارزش دارد که با عمل، با مسئولیت، با تکلیف و با تعهد همراه است. اگر تعهدی احساس نکردی، در مؤمن بودن خودت شک کن. جامعه‌ای که به تعهدات ایمانی عمل نمی‌کند، نام خود را جامعه مؤمن نگذارد!^۱

■ اگر ایمان با تعهدهای عملی همراه نبود، منتظر نتیجه‌هایش هم مباش، منتظر نصرت در دنیا مباش... خلاصه کلام اینکه: بهشت دنیوی و اخروی را به او نمی‌دهد... ایمان تنها، ایمان بی تعهد، ایمانی که همراه آن احساس مسئولیت نباشد؛ نه به درد دنیا می‌خورد، نه به درد آخرت. این منطق قرآن است.^۲

■ مؤمنین هستند که موجب نصرت می‌شوند، مؤمنین هستند که نظام را پابرجا نگه می‌دارند، مؤمنین هستند که در میدان‌های مختلف، جاده را صاف می‌کنند تا نظام اسلامی بتواند کارهای بزرگی را انجام دهد.^۳

■ عمل صالح یعنی تعهد مناسب با ایمان، ایمان بر دوش انسان تعهد می‌گذارد، انجام آن تعهد و بر دوش گرفتن آن تعهد، عمل صالح است.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۱۱۲ و ۱۱۴

۲. همان، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۸

۳. کتاب عهد مشترک صفحه ۱۲۳

۴. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۱۱۴

بررسی و تحلیل:

از این بیانات اینگونه برداشت می‌شود که؛ شاید بزرگترین نقطه غفلت برای اهل ایمان، این باشد که فکر کنند ایمان صرفاً یک امر قلبی است! و حالا اگر اهل عمل صالح و جهاد هم نبودند، بالاخره چون محبت اهل بیت؟؟ را در دل دارند، رحمت خدا شامل حالشان می‌شود و جایگاهشان در بهشت است! در حالی که قرآن طور دیگری می‌فرماید. بنابر نقل رهبری اگر تعهدات عملی در برابر خدا و دستوراتش احساس نکردیم، باید در مؤمن بودن خودمان شک کنیم! شاید هم مشکل اصلی اینجاست که معنای عمل صالح را نمی‌دانیم! اگر ما مؤمنین، بر اساس فرمایش رهبری، معنای عمل صالح را «انجام آن تعهداتی بدانیم که هر درجه‌ای از ایمانمان، سطحی از تعهدات را بر دوشمان می‌گذارد»؛ آن وقت مسئله حل خواهد شد. اگر خیال نکنیم که وارد بهشت خدا می‌شویم بدون آنکه اهل جهاد و صبر و استقامت باشیم^۱، آن وقت دیگر آرام و قرار نداریم و مدام به فکر حل مسائل جامعه و یاری کردن دین خدا و جهت‌دهی فعالیت‌هایمان در این راستا خواهیم بود.

وقتی برای ما، در طول تاریخ انقلاب بارها ثابت شده که، بدون نصرت الهی، نمی‌توان بر دشمنان اسلام و انقلاب غلبه کرد، و این مؤمنین هستند که با اعمالشان موجب نصرت الهی می‌شوند و نظام را پا برجا نگه می‌دارند! پس چرا خود را به صف این مؤمنین واقعی یا مجاهدین ملحق نسازیم؟! مگر مؤمن نباید کیس باشد^۲ و بهترین و بیشترین بهره‌برداری را برای آخرت خودش از فرصت‌ها به عمل آورد؟ چه فرصتی از گام دوم انقلاب بهتر برای اینکه بتوانیم؛ با اعمال جهادی حتی کوچک، ولی مؤثر در شهر و دیار و محله خودمان، به دعوت به خدا و رهبری انقلاب لیک گفته و ماهم خودمان را از موضع قاعدین به جایگاه برتر مجاهدین برسانیم که «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»^۳

۱. «أَفَرِحْتُمْ بِأَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَلُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۲

۲. المؤمنُ كَيْسٌ فَطَنَ حَلْبَةَ، كنز العمال، صفحه ۹۸۶

۳. سوره مبارکه نسا آیه ۵۹

توجه به سؤالات ذیل و پاسخ‌های صادقانه‌ای که به آن‌ها می‌دهیم ما را در رسیدن به چنین جایگاهی کمک خواهد کرد.

سؤالات:

۱-۱۰) چرا قدر و منزلت عمل صالح اجتماعی در کنار ایمان را -با این درجه اهمیت- نمی‌دانیم و چرا اکثر مؤمنین فکر می‌کنند عمل به دستورات انفرادی اسلام، همان عمل صالح است؟

۲-۱۰) عمل صالح امروز ما (جوانان متعهد و با ایمان)، که در این شرایط حساس از تاریخ اسلام و انقلاب قرار گرفته‌ایم و فریاد ﴿هَلْ مِنْ نَاصِرٍ﴾ رهبر انقلاب را هم می‌شنویم، چیست؟ آن تعهد ایمانی که اسلام، انقلاب و خون شهیدان در گام دوم انقلاب، بر دشمنان می‌گذارد کدام است؟

۳-۱۰) چرا امروز و در گام دوم انقلاب فقط تعداد کمی از جوانان با ایمان و متعهد ما، دعوت آشکار رهبری برای تسریع حرکت عمومی را لیبک گفته و مشغول جهاد برای جامعه‌سازی هستند؟ نقش روحانیت متعهد و انقلابی در این رابطه چیست؟

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



■ ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱ اطاعت کنید خدا و رسول را ﴿لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید... (ولی ما) رحمت خدا را برای کجا می‌دانیم؟ برای آنجا که عمل نکردیم. در صورتی که نافرمانی کردیم، در صورتی که مسئولیت و تعهد الهی را ملاحظه نداشتیم؛ در چنین صورت‌هایی می‌گوییم: ما که عمل نداریم، مگر خدا رحم‌مان کند! رحم و رحمت خدا را جایگزین عمل نکردن می‌دانیم. آیه قرآن برعکس است، می‌گوید: عمل کنید، اطاعت کنید، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید. رحمت خدا آن وقتی است که یک ملتی به مسئولیتش عمل کند، خدا آن وقتی به مردم رحم می‌کند که او را اطاعت کنند، تکالیف خود را انجام دهند.^۲

■ اطاعت خدا به چیست به این است که تمام تکالیف و حجت‌های الهی را بر دوشمان حمل کنیم. همه آنچه را بر دوشمان نهاده شده است انجام بدهیم. (نه بخشی از آن‌ها را)^۳

■ تعهدات یک فرد مؤمن، گاه گاهی و دل‌خواهی نیست. ... اگر ایمان همراه با تعهد است، این تعهد همیشگی و همگانی است... در مقابل همه احکام خدا، باید احساس تعهد کند و در همه جا باید احساس تعهد کند.^۴

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۳۲

۲. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحات ۴۵ و ۴۶

۳. همان، صفحه ۴۶

۴. همان، صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶

بررسی و تحلیل:

قرآن کریم، پُر از فرامین و دستورات اجتماعی است که عمل به آن‌ها در کنار انجام واجبات و ترک محرمات، جزء تکالیف اولیه یک مسلمان مؤمن است. اما غالباً تصور می‌شود به دلیل رحمت و اسعۀ پروردگار، عدم اطاعت و عمل نکردن به برخی تکالیف اجتماعی که به اشتباه آن را جزء مستحبات می‌انگاریم (مثل امر به معروف و نهی از منکر) مشکل‌چندانی برای ما ایجاد نمی‌کند و با گزینه شفاعت حضرات معصومین؟، ورود به بهشت برایمان قطعی خواهد بود. درحالی که چنین نیست و طبق آیات قرآن باید به همه فرامین و دستورات خدای متعال و پیامبر؟ به طور کامل عمل کنیم تا مورد رحمت خدا قرار بگیریم «... اطاعت خدای متعال به این است که؛ تمام تکالیف و حجت‌های الهی را بر دوشمان حمل کنیم... و در مقابل همه احکام خدا و در همه جا باید احساس تعهد کنیم.»

در واقع مشکل این است که اکثریت جامعه مسلمان ما بر همه تکالیف و فرامین الهی خود واقف نبوده و یا میزان و شدت وجوب آن را نمی‌دانند. اگر همه می‌دانستیم که امر به معروف و نهی از منکر، مثل نماز واجب است و یا این فریضه الهی در مقایسه با سایر جهادها، از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است، آیا در برابر این تکلیف مهم در جامعه امروزی مان بی تفاوت بودیم؟! آیا همه ما نسبت به حق و حقوقی که از همسایگانمان بر گردن داریم واقفیم و به آن‌ها عمل می‌کنیم؟ نسبت به حقوق برادری چطور؟ آیا بار معنایی که «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱ بر گردن ما می‌گذارد را می‌دانیم و به آن‌ها عمل می‌کنیم؟ اگر واقعاً به همه این حق و حقوق اجتماعی به طور کامل واقف بودیم، این گونه به آن‌ها عمل می‌کردیم؟ اگر به همه این حق و حقوق عمل می‌شد آیا وضعیت جامعه اینگونه بود؟

۱. سوره مبارکه حجرات آیه ۱۰

برای برون‌رفت از این وضعیت در کشور است که رهبری انقلاب، ضرورت یک حرکت عظیم مردمی را در گام دوم، پی‌درپی یادآور می‌شوند و پرچم این نهضت عظیم جامعه‌سازی و فرهنگ‌سازی و اصلاح سبک زندگی (از غربی به اسلامی) را به دست گرفته‌اند و از جوانان متعهد و انقلابی می‌خواهند که ظرفیت‌های ایمانی مردم را به عمل صالح تبدیل کنند و بر اهمیت قیام‌الله نیز تأکید دارند.^۱

در قرآن کریم خدای متعال آنقدر نسبت به عمل صالح در کنار ایمان تأکید می‌فرماید که گویی، ایمان بدون عمل صالح، هیچ به حساب می‌آید. در واقع بر اساس روایات هم، همین معنا درست است. امام صادق؟ می‌فرماید: «ایمان بی‌عمل، وجود خارجی ندارد. عمل قسمتی از ایمان است و ایمان فقط به وسیله عمل به اثبات می‌رسد.»^۲

نکته قابل توجه و تأملی که ذکر آن ضروریست این است که؛ اگر مؤمنین قبل از ما، بهانه «نمی‌دانستیم» برای عمل نکردن به این تکالیف الهی ارائه دهند، حجت بر همه مؤمنین گام دوم انقلاب تمام است! چرا که رهبری انقلاب و ولی فقیه زمانمان، فرمان حرکت عمومی برای این نوع اقدامات اجتماعی را صادر کرده‌اند و این جوانان مؤمن هستند که باید کمر همت بسته و محور این حرکت‌های اجتماعی شوند.

پاسخ‌های دقیق همراه با تأمل به سؤالات ذیل، ما را در راهیابی به تکالیفمان یاری می‌کند.

۱. بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی؟ ۱۴۰۱/۳/۱۴

۲. گزیده کافی جلد ۱ صفحه ۱۵۸

سؤالات:

۱۱-۱) چرا غالباً مؤمنین، رحمت خدا را جایگزین عمل نکردن‌ها به تعهدات الهی دانسته و معمولاً به تکالیف اجتماعی خود بی‌توجه هستند؟

۱۱-۲) به نظر شما چرا فریضه امر به معروف و نهی از منکر، با این درجه همیت، در جامعه ما به فراموشی سپرده شده و وجوب آن را مثل نماز نمی‌دانیم؟

۱۱-۳) چرا اخوت و برادری در جامعه ما کم‌رنگ است و حتی در میان مؤمنین و نیروهای انقلاب، بیشتر شاهد تفرقه و اختلاف هستیم تا توسعه اخوت و برادری؟

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار دوازدهم - معنای واقعی مغفرت و انفاق و ارتباط آنها با هم

■ ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ﴾ دین می‌گوید سرعت بگیر هر چه بیشتر، مسابقه بده هر چه زیادتر، اما به‌سوی چه؟ به‌سوی بهشت برین... (بنابراین) مغفرت برای تو مهم است، از همه چیز بالاتر مغفرت است، مغفرت یعنی چه؟... غفران یعنی التیام دادن و پُر کردن یک خلأ (مثل پُر کردن زخم که التیام پیدا می‌کند)... هر گناهی که انجام می‌دهید، ضربتی به روح وارد می‌کند و زخمی به وجود می‌آورد... این گناه حالا باید مغفرت پیدا کند (و آن زخم وارد شده التیام یابد) این را می‌گویند غفران. چه جوری برطرف می‌شود؟... با جبران کردن باید روحش بالا برود... بنابراین مغفرت یعنی؛ پُر کردن آن خلأهایی که زخم‌های روح انسان‌اند و با پُر کردن آن‌ها (جبران با عمل صالح) انسان به کمال می‌رسد.^۱

■ ﴿وَمِمَّا زَرَعْتُمْ أَنتَهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ یعنی چه؟ یعنی مؤمنین آن کسانی هستند که از آنچه ما به آنان روزی کرده‌ایم - اسم مال در آن نیست - از پولی که دادیم، از عمری که دادیم از فرزندی که دادیم، از آبرویی که دادیم، از توان جسمی و از زبان و فکر و مغزی که دادیم، از همه

امکاناتی که دادیم، ﴿يُنْفِقُونَ﴾ انفاق می کنند. یعنی به جا خرج می کنند، نه هر خرج کردنی. یکی از نشانه های مؤمن این است... ای برادر مؤمن نام مؤمن نما، انفاق می کنی؟ نمی گویم خرج می کنی یا نه؟ بلکه خرج می کنی، ... ولی آیا انفاق هم می کنی؟! ای گوینده عزیز، چقدر حرف می زنی؟ چقدر نفس می زنی؟ آیا از این نیرو انفاق هم می کنی؟! ... وحشت نکنید از این سخن که واقعیتی است و چه واقعیت تلخی؟! چقدر پول ها و توانایی ها که به نام دین مصرف می شود؟ خرج می شود، اما انفاق نیست. چون خلایی را پُر نمی کند. چون دردی را به درمان نمی رساند. چون نیازی را از این جامعه مستمند برطرف نمی کند. آنچه نشانه مؤمن بودن و شرط ایمان است، انفاق است. بنابراین خوب فکر کنید... ﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾ اینانند مؤمنان راستین. ﴿لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ و برای آنان رتبه هایی است، مرتبه هایی است ﴿عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ در نزد پروردگارش، غفران هم از این ها است... ﴿وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

بررسی و تحلیل:

حتی حضرات معصومین؟؟ نیز خود را بی‌نیاز از مغفرت الهی نمی‌دانند. مسلماً همه انسان‌های غیرمعصوم روزانه و در طول زندگی خود، دچار خطا و قصور و یا گناه عمده یا سهوی می‌شوند. با این وجود خدای متعال با قرار دادن مسیر توبه اجازه ناامیدی به هیچ یک از بندگان خود را نداده است. بندگان خدا نیز می‌بایست در کنار توبه و استغفار درصدد جبران گناهان از طریق عمل صالح و انفاق باشند. بنابراین مؤمنین واقعی کسانی هستند که دائماً در حال شناسایی خلأها و نیازمندی‌های مستمندان مادی و معنوی جامعه خود و برنامه‌ریزی برای رفع آن نیازمندی‌ها هستند تا جبران گناهان احتمالی آن‌ها باشد و از این طریق مورد رحمت و غفران الهی قرار گیرند.

خدای متعال نعمت‌های فراوان و بی‌شماری را روزی بندگان خود کرده و توانمندی‌ها و امتیازات خاصی را در هر فرد به ودیعه گذاشته و آن‌ها را مورد امتحان خود نیز قرار می‌دهد تا ببیند شکر این نعمت‌ها را به جا می‌آورند و از آنچه روزی آن‌ها کرده به دیگران انفاق می‌کنند یا خیر؟ وقتی رهبری خطاب به برخی گویندگان می‌فرماید: «ای گوینده عزیز چقدر نفس می‌زنی آیا از این نیرو انفاق هم می‌کنی؟» و در ادامه می‌فرماید: «وحشت نکنید از این سخن، که واقعیتی است و چه واقعیت تلخی!» آیا نباید صاحبان ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا از خود بپرسند که چرا با این همه تأکید رهبری هنوز نتوانسته‌اند ضرورت حرکت عمومی را تبدیل به گفتمان رایج کشور کنند؟ که اگر این مهم محقق شده بود، امروز گفتمان حرکت عمومی در جامعه ما رواج یافته و به رفتار عمومی مردم، به ویژه همه مؤمنین متعهد تبدیل شده بود.

جا دارد با تأمل بر سؤالات زیر، به پاسخ‌های مناسبی دست پیدا کنیم تا در یوم الحسره، بتوانیم پاسخگوی نعمت‌های الهی و زبان‌های گویایمان باشیم.

سؤالات:

۱-۱۲) از آنجا که شرط ایمان، انفاق کردن به معنای «اقدامی است که دردی را از جامعه برطرف کند»، چرا در جامعه ما این همه فقر اقتصادی و فرهنگی وجود دارد؟ مگر مؤمن در جامعه اسلامی کم داریم؟

۲-۱۲) چرا غالب ما، فکر می‌کنیم؛ گناهايمان، بدون اعمال صالح جبرانی و انفاق و جهاد هم بخشیده می‌شود؟ نقش افرادی با ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا، در رفع این مشکل چیست؟

۳-۱۲) به نظر شما چه باید کرد تا در جامعه ما و لاقول در میان مؤمنین، به جای مسابقه‌ها و چشم و هم‌چشمی‌های غلط دنیایی، مسابقه در کارهای خیر، بیشتر رایج شود تا شاهد مشکلات کمتری در جامعه باشیم؟

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



گفتار سیزدهم ایمان به نبوت و تعهد آن

■ یک عده مردم خیال می کنند اگر گفتند: ما قبول داریم که فلائی پیغمبر است و پذیرش نبوت او را در دلمان یا به وسیله زبانمان اعلام کردیم، کار ما تمام شد و خودمان را از مرز جهنم وارد مرز بهشت کردیم! ما می گوییم این حرف درست نیست، ایمان به پیغمبر؟؟ لازم است، اما این ایمان به پیامبر؟؟ تعهداتی را با خود به دنبال می آورد، اگر یک مسلمانی (این تعهدات را) نپذیرفت، این انسان اگرچه به ظاهر مؤمن است، اما مؤمن واقعی نیست.^۱

■ حال این تعهد چیست؟ این است که من بینم پیغمبر؟؟ چه کار می خواست بکند، یک بار عظیمی را می خواست بردارد... یک بنیان عظیمی را می خواست بنا کند، من هم در زمان خودم، نگاه کنم بینم آن بنایی که پیغمبر؟؟ می خواست بریزد و بسازد، آیا کاملاً ساخته شده؟ اگر دیدم جواب منفی است... بکوشم تا این بار را من بردارم، اگر زورم نرسیده نفر دیگر را هم پیدا کنم، تا این بار را باهم برداریم (گروه سازی از مردم) گروهی دیگر را هم پیدا کنم تا این عمارت را باهم بسازیم (شبکه سازی)... اگر بگویم نمی توانم دروغ است. به این تعهد باید پایبند باشد، و الا اگر نبود... شهادت او به نبوت، یک شهادت سطحی است. بنابراین وظیفه و تعهد شما بر اساس شهادتی که به رسالت پیغمبر؟؟ می دهید این است که بکوشید تا دنیا را به شکلی که اسلام فرموده در آورید (دین خدا را یاری کنید) این مسئولیت و تعهد نبوت است.^۲

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۶۳۲

۲. همان، صفحه ۶۳۴ و ۶۳۵

■ پیغمبر؟؟؟ برای ساختن انسان‌ها می‌آید... (حالا) از چه راهی پیامبر؟؟؟ برای ساختن انسان‌ها استفاده می‌کند?... مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند?... گفتیم نه، پیغمبر؟؟؟ برای ساختن انسان‌ها، کارخانه انسان‌سازی درست می‌کند، کارخانه انسان‌سازی چیست؟ جامعه و نظام اسلامی. جامعه اسلامی چیست و چه ماهیتی دارد؟ جامعه اسلامی؛ یعنی جامعه‌ای که در رأس آن، خدا حکومت می‌کند، قوانین آن جامعه قوانین خدایی است، و حدود الهی در آن جامعه جاری می‌شود.^۱

■ پیامبر؟؟؟ برای اینکه بتواند، جامعه مورد نظر را، که همان کارخانه انسان‌سازی است، تشکیل بدهد، برای اینکار نیاز دارد به یک جمع به هم پیوسته متعهد، دارای ایمان راسخ، از اعماق قلب مؤمن و معتقد به این مکتب، با گام استوار، پویا و جویای آن هدف، یک چنین جمعی را پیغمبر؟؟؟ اول کار نیاز دارد... پیغمبر؟؟؟ بنا می‌کند این جمع را فراهم آوردن و درست کردن... این‌ها یک جمعیتی را تشکیل می‌دهند یک صف به وجود می‌آید، یک جبهه در مقابل جبهه کفر ایجاد می‌کند. این جبهه از چه کسانی تشکیل شده؟ از مسلمانان استوار مؤمن معتقد نافذالقلب. از آن کسانی که «وَلَا تَأْخُذْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِيَةً» هیچ ملامت ملامت کننده‌ای آن‌ها را از راه خدا بر نمی‌گرداند.^۲

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۶۵۹ و ۶۶۰
۲. همان، صفحه ۶۶۴

بررسی و تحلیل:

واضح است که عمل به تکالیف فردی مانند نماز و روزه و تلاوت قرآن گرچه برای داشتن ایمان و اعتقاد لازم است اما کافی نیست! بر اساس تعالیم قرآنی اطاعت از تمامی فرامین الهی و دستورات پیامبر؟ و اولی الامر، لازمهٔ عاقبت به خیری و نجات است. پیامبر؟ فرمودند: هرکس خدا را اطاعت کند (به طور کامل) پس حقاً خدا را یاد کرده، اگرچه نماز و روزه و تلاوت قرآنش کم باشد، و هرکس نافرمانی خدا کند (به همه دستوراتش عمل نکند) پس به تحقیق خدا را فراموش کرده، گرچه، نماز و روزه و تلاوتش زیاد باشد!^۱

از مهم‌ترین فرامین الهی، جهاد، انفاق و عمل صالح اجتماعی است. بنابراین تعهد ایمانی ما به فرامین الهی، از دیدگاه رهبر انقلاب، این است که برای تسریع در تحقق اهداف انقلاب، لازم است بر حل مسائل اجتماعی متمرکز شویم، تلاش مضاعف داشته باشیم و افراد دیگری را هم پیدا کرده و در قالب یک گروه مردمی - به صورت جمعی - در این زمینه‌ها فعالیت کنیم. با توسعه اخوت و برادری، یک صف و یک جبهه مستحکم در مقابل جبهه معارضین انقلاب و دشمنان ایجاد کرده و با قدرتی که این جبهه مردمی به وجود می‌آورد، یعنی قدرت مردمی حزب‌الله، اسلامی شدن دولت و جامعه را محقق سازیم و به یاری خدای متعال به تدریج به جامعه‌ای برسیم که قوانین آن خدایی باشد، حدود الهی در آن جامعه جاری شود و فرهنگ اسلامی و سبک زندگی اسلامی غلبه داشته باشد.

نکتهٔ بسیار مهم و اساسی برای نسل جوان ما این است که؛ وقتی این همه نارسایی‌ها و مشکلات را در جامعه خودمان شاهد هستیم، بدانیم نشستن و نگاه کردن و صرفاً انتقاد کردن از وضع موجود و بعضاً همراهی با

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۵، صفحه ۴۰۳

افرادِ یقِ زن، دردی را از مردم و جامعه و نظام درمان نمی کند! باید مرد میدان عمل باشیم تا اهداف انقلاب اسلامی محقق شود. مگر خدای متعال نفرمود: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ واقعیت ارسال رُسل و انزال کتاب و قرآن برای این است که مردم برای قسط و عدالت قیام کنند. یعنی؛ بدون قیام مردم برای قسط، عدالت در جامعه محقق نخواهد شد!

به سؤالات ذیل توجه کنیم و پاسخ های دقیق و عملیاتی برای آن ها داشته باشیم.

سؤالات:

۱۳-۱) چرا اکثر مسلمانان و حتی مدعیان ایمان، خیال می کنند با نماز و روزه و تلاوت زیاد قرآن، خدا را بطور شایسته یاد کرده اند؟ و چرا نمی دانند که با غفلت از عمل به سایر فرامین الهی، در واقع نافرمانی خدا را می کنند؟

۱۳-۲) اگر احساس تعهد نسبت به وظیفه جامعه سازی و اسلامی شدن جامعه در ما وجود دارد، چگونه باید به این تعهدات در شهر و دیار خودمان عمل کنیم؟

۱۳-۳) به نظر شما جبهه مردمی مورد نیاز برای تحقق اهداف انقلاب در گام دوم، چگونه می تواند شکل بگیرد؟ چگونه یک جمع به هم پیوسته متحد و دارای ایمان راسخ، تشکیل می شود؟

۱. سوره مبارکه حدید آیه ۲۵

پاسخ‌ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

گفتار چهاردهم - معنای قرآنی ولایت و جبهه سازی مؤمنین

■ اسلام یک فکر نویی می آورد، بر اساس این فکر نو، یک جبهه بندی نو به وجود می آید، یک صف بندی جدید به وجود می آید... (در یک جامعه)... اساساً دین به معنای ایجاد یک جبهه بندی و صف بندی جدید است... پیغمبر؟! یک طرف در یک صف، دشمنان و معارضان و معاندان پیغمبر؟! هم یک طرف، در یک صف دیگر،... دو صف اند مقابل هم. هر کس هم بین دو صف است، با پیغمبر؟! نیست. هر کس هم به پیغمبر نپیوسته، بر پیغمبر؟! است. هر کس با علی؟! نباشد، بر علی؟! است. هر کس با حق نباشد، بر حق است. در جنگ بین حق و باطل، اگر با حق نبودی، با باطلی. با باطل بودن به این معنی نیست که حتماً با حق بجنگی. اگر با حق نجنگی هم، داخل است در مفهوم با باطل بودن.^۱

■ اگر بخواهد همین جمعیت و همین صف و همین جبهه نابود نشود، از بین نرود، هضم نشود، حل نشود، بایستی یک عده مسلمان را مثل پولاد آب دیده به همدیگر بتابانند... باید این ها را هر چه بیشتر به هم بچسبانند... و هر چه بیشتر از جبهه ها و جریان های دیگر، از انگیزه های مخالف دور نگه دارند، چون این ها در اقلیت اند ممکن است فکرشان تحت الشعاع فکر اکثریت قرار گیرد... برای اینکه این ها بتوانند بمانند، این ها را هر چه بیشتر به همدیگر متصل می کنند و هر چه بیشتر از سایر جبهه ها جدا می کنند.^۲

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۳۹۳ و ۳۹۵
 ۲. همان، صفحه ۲۱۴

■ این پیوستگی مسلمانان جبهه آغاز دین، که به هم دیگر جوشیدند و گره خوردند و از هم جدایی پذیر نیستند و با دیگر جبهه‌ها به کلی منقطع‌اند... آیا در قرآن نامی دارد؟ بله، این نام، ولایت است. هنوز خیلی مانده برسیم به ولایت علی بن ابیطالب؟؟ پس ولایت یعنی چه در اصطلاح اولی قرآن؟ یعنی به هم پیوستگی، هم‌جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه قدم برمی‌دارند و برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند.^۱

■ بعضی خیال می‌کنند؛ دارای ولایت بودن به این است که محبت اهل بیت؟؟ در دل انسان باشد، همین و بس. بله محبت اهل بیت؟؟ را داشتن واجب و فرض است... اما این (به‌تنهایی) ولایت نیست. ولایت از این بالاتر است. آنی که در مجلس سیدالشهدا؟؟ می‌نشیند و اشک می‌ریزد، کار خوبی می‌کند که اشک می‌ریزد، اما کار بدی می‌کند که اشک ریختن را کافی می‌داند برای دارا بودن ولایت. درست بفهمید چه می‌گوییم^۲... ولایت در یک انسان به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روزافزون‌تر با ولی است. ولی خدا را بشناس... و بعد از لحاظ فکر و عمل، از لحاظ روحیات، از لحاظ رسم و روش، خود را به او متصل کن، مرتبط کن، دنبالش راه بیفت و حرکت کن. اگر تلاش تو، تلاش او، جهاد تو، جهاد او، دوستی و دشمنی تو، دوستی و دشمنی او و جبهه‌بندی‌های تو جبهه‌بندی‌های او باشد، تو دارای ولایتی. آدم دارای ولایت این است.^۲

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۴۱۳

۲. همان، صفحه ۴۴۹

بررسی و تحلیل:

تردیدی وجود ندارد که انقلاب اسلامی، هم در نقطه آغاز و هم در ادامه مسیر خود، محصول مجموعه‌ای از اندیشه‌های متعالی و «فکرهای نویی» است که معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی؟ و جانشین خلف ایشان امام خامنه‌ای؟، از قرآن و سیره پیامبر و معصومین؟ استخراج کرده و به بشریت امروز و تشنگان حقیقت دین عرضه کرده‌اند. همین فکرها و ایده‌های نو، که انقلاب اسلامی را به وجود آورده و حرکت الهی آن را جهت می‌دهد، امروز به یک جریان عظیم حق در برابر همه باطل تبدیل شده و دفاع از آن، مستلزم جبهه‌بندی مستحکم از مؤمنین واقعی، مشابه جبهه‌بندی صدر اسلام است و نباید ضرورت جبهه‌بندی و صف‌بندی در زمان پیامبر؟ را، صرفاً برای آن زمان بدانیم.

بر اساس نگاه امامین انقلاب، وحدت کلمه، یکپارچگی، انسجام و به هم پیوستگی مؤمنین در جامعه اسلامی شرط اصلی و لازمه پیروزی جبهه حق علیه باطل است و ضرورت این تعبیر که «اساساً دین به معنای جبهه بندی و یک صف بندی جدید است»، در گام دوم انقلاب، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. این در حالی است که باکمال تأسف امروز به جای انسجام، شاهد تفرقه و اختلاف در مسائل داخلی، میان نیروهای انقلاب هستیم! وقتی معنای اولیه ولایت بر اساس آموزه‌های دینی ما «به هم پیوستگی، هم‌جبهگی و اتصال شدید مؤمنین دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحد است.» هرگونه اختلاف، پراکندگی و چندقدرتگی میان نیروهای وفادار به انقلاب، قطعاً محکوم و مذموم است و مانع تحقق اهداف انقلاب خواهد بود.

بنابراین تلاش برای اتصال هر چه بیشتر نیروهای مؤمن، ولایی و با روحیه جهادی، به همراه دور نگه داشتن آنها از سایر جبهه‌های غیر انقلابی

و غیر ولایی، خود یک جهاد عظیمی است که بیش از هر زمان دیگر به گفتمان سازی و تبیین دقیق و شفاف نیازمند است. با کمال تأسف، توانمندان این عرصه را غیر فعال می بینیم. هر چند که این افراد، با ذهن های فعال و زبان های گویای خود، مشغول تبیین سایر مسائل غیر مهم یا حتی مسائل مهم دیگر هستند، لکن تمرکز روی این موضوع، یعنی؛ ضرورت سرعت بخشی به حرکت عمومی و توسعه و ترویج فرهنگ اخوت و برادری در جامعه - به خصوص در میان مؤمنین - ندارند.

مگر انفاق - که شرط مؤمن بودن واقعی است - به این معنا نیست که، باید از توان و رزقی که خدای متعال به ما عطا فرموده، در راستای رفع نیازهای واقعی جامعه و بر طرف کردن دردهای اولویت دار جامعه صرف کنیم؟ چرا گویندگان محترمی که از زبان گویا و نفوذ کلام برخوردارند و پرچم ولایتمداری هم به دست دارند، ارائه گفتمان خود را، روی ضرورت حرکت عمومی جامعه و گسترش فعالیت های فرهنگی - اجتماعی جهادی - در قالب یک جبهه واحد - متمرکز نمی کنند؟ با توجه به معنای قرآنی از ولایت یعنی: «اتصال و به هم پیوستگی شدید مؤمنین» آیا بر همه ما واجب و ضروری نیست که برای تحقق آن در جامعه تلاش مضاعف داشته باشیم؟ در غیر این صورت «چنانچه در یکی از دو عرصه عمل جهادی یا گفتمان سازی حرکت عمومی فعال نباشیم»، آیا می توانیم خود را در جرگه مؤمنین واقعی و متعهد به انقلاب بدانیم؟ وقتی تلاش و جهاد ما در راستای تلاش و جهاد امام امت نبود، دوستی و دشمنی ما، ادامه دوستی و دشمنی او نبود و جبهه بندی ما، جبهه بندی او نبود، چطور ادعا کنیم که ولایتمدار واقعی هستیم!

پاسخ به سؤالات ذیل، ما را کمک می‌کند تا برای تحقق این معنا از ولایت در جامعه، گام‌های مؤثری برداریم.

سؤالات:

۱-۱۴) چرا اکثر مؤمنین و نیروهای انقلاب، خیال می‌کنند فقط محبت داشتن به اهل بیت ؟ ؟ و عمل نکردن به سیره آن‌ها و بی‌توجه بودن به ولایت عرضی مؤمنین (اتحاد و برادری) برای ولایتمداری آن‌ها کفایت می‌کند؟

۲-۱۴) جنبه‌های عملی این دو بُعد ولایت (۱. ولایت فردی و ۲. ولایت جمعی یا عرضی مؤمنین) کدام است؟

۳-۱۴) آیا مصادیقی از افراد مؤمن و دوست‌دار انقلاب، که هنوز به جبهه انقلابیون نپیوسته و به قول رهبری: «در وسط و بین دو جبهه خیمه زده‌اند»، سراغ داریم؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا برای دعوت آن‌ها به این حرکت عمومی و پیوستن به جبهه مردمی انقلاب، اقدامی به عمل آورده‌ایم؟ اگر پاسخ منفی است چرا؟

۴-۴۱) چگونه می‌شود ضرورت و فوریت جبهه‌سازی از نیروهای وفادار به نظام و انقلاب را برای افراد و جمع‌های ایمانی‌جا انداخت و این رسالت مهم بر عهده چه کسانی است؟

پاسخ ها:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

گفتار پانزدهم - معنای هجرت و اهمیت آن در کنار ایمان و ولایت

■ هجرت کردن به معنای یک باره از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی، به خاطر قبول تعهد در مجموعه تشکیلات جامعه اسلامی محسوب می‌شود. هجرت یعنی برای بنای کاخ عظیم جامعه اسلامی، یک خشت بردن.^۱

■ آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت هم کردند و با جان و مال در راه خدا مجاهدت نمودند و کسانی که پناه دادند و آن‌ها را یاری کردند، همه این‌ها، به هم پیوستگان و هم جبهه‌گان یکدیگرند، این‌ها همه یک عنصرند. ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲

■ ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا﴾ این‌جا را دقت کنید؛ آن کسانی که ایمان آوردند... اما ﴿وَلَمْ يُهَاجِرُوا﴾ از خانه ملکی (و از دنیا) دل نکندند و هجرت ننمودند! یعنی ایمان آوردند اما به این تعهد ایمانی عمل نکردند. این‌ها چطورند؟ می‌فرماید: ﴿مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ﴾ این‌ها به شما پیوسته نیستند! جزء شما نیستند، میان شما و آن‌ها ولایت و به هم پیوستگی نیست! تا کی؟ ﴿حَتَّى يُهَاجِرُوا﴾ تا وقتی که (از دنیا دل بکنند) و به تعهد ایمانی خود عمل کنند. ایمان خشک و خالی حتی در دنیا هم اثر نمی‌دهد برادر، در آخرت که جای خود دارد. در جامعه اسلامی هم منشأ اثر قرار نمی‌گیرد.^۳

۱. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی صفحه ۱۲۸

۲. همان، صفحه ۱۲۹

۳. همان، صفحه ۱۳۰

■ پیغمبر؟؟ می‌خواست چکار بکند؟ می‌خواست مردم را به بهشت ببرد، بهشت این جهان و بهشت پس از مرگ، هر دو. چون می‌خواهد مردم را به بهشت ببرد، مردم باید با او بیایند اگر با او نیامدند به بهشت نمی‌رسند (اگر در صف پیغمبر قرار نگرفتند)... حالا بین این دو صف یک نفری است... می‌بیند حرف پیغمبر؟؟ درست است، حرف پیغمبر؟؟ حرف خوبی است، از طرفی می‌بیند اگر بیاید در صف پیغمبر؟؟ مجبور است با آن صف روبه رو، با همدیگر معارضه کنند! دلش هم نمی‌آید برود در صف روبه رو، چون می‌بیند که می‌روند طرف جهنم. دلش نمی‌آید بیاید در صف پیغمبر چون می‌بیند دردِ سر دارد. چه کار می‌کند؟ می‌آید بین این دو صف، خیمه‌ای آنجا می‌زند و می‌نشیند. این چه کاره است؟ شما بگویید. این بهشت می‌رود؟ معلوم است که نه!... هر کس بین این دو صف است با پیغمبر؟؟ نیست.

یک بار دیگر و با تأمل بخوانید

بررسی و تحلیل:

برداشت عموم مسلمانان و حتی بسیاری از مؤمنین از هجرت، غیر از معنایی است که رهبری بیان فرمودند. بی‌شک هر فرد مؤمن، تا از همه تعلقات دنیایی دست نشوید و چنانچه درگیر ملاحظات مختلف دنیایی باشد، قادر نخواهد بود در جبهه حق و در کنار دیگر مؤمنین مجاهد، علیه باطل به مبارزه برخیزد. مؤمن تا هجرت نکند (به این معنا) نمی‌تواند با همه وجود و با سرمایه‌های مادی و معنویش از حق دفاع کند و برای تحقق اهداف والای اسلامی از مال، وقت و آبرویش خرج کند! مصادیق زیاد آن را با کمال تأسف امروز شاهد هستیم! به طور مثال؛ وقتی امروز در هجمه‌های ناجوانمردانه علیه انقلاب، نظام و دستاوردهای بی‌نظیرش، حتی بسیاری از خودی‌های مؤمن و انقلابی برای دفاع یا مقابله با این هجمه‌ها اقدامی نمی‌کنند و تنها توجیه‌شان ملاحظات مختلف جایگاهی و حیثیتی و غیره است؛ آیا شاهی بر این مدعا نیست؟

خدای متعال در آیه ۷۲ سوره انفال نشانه مؤمن واقعی بودن را اهل هجرت به همین معنا می‌داند و می‌فرماید: «آن‌ها که هنوز هجرت نکرده‌اند، جزء جبهه مؤمنین و جبهه حق محسوب نمی‌شوند» ﴿مَالِكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ﴾ و تنها زمانی که هجرت کردند ﴿حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا﴾ جزء مؤمنین واقعی و مبارز در جبهه حق علیه باطل به حساب می‌آیند. شاید بعضی از ما به خود بگوئیم؛ ما که مؤمن هستیم، این جبهه هم که هنوز تشکیل نشده که ما به آن بیونددیم، پس تکلیفی فعلاً بر عهده نداریم و همچنان در جای خود نشسته باقی می‌مانیم! به نظر شما این نوع نگاه به تکالیف الهی و انقلابی، متعهدانه و قابل قبول است؟

آیا فراوانی همین نوع نگرش‌ها نیست که باعث شده، حرکت عمومی مورد انتظار رهبری به کندی پیش برود؟ بی‌شک اگر همه ما به ویژه

جوانان مؤمن و انقلابی، به اصول اساسی اسلام و تشیع: «توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت» متعهد باشیم و تعهداتی که این اصول، بر عهده ما می‌گذارد را عمل کنیم، آن وقت این مشکل کندی حرکت عمومی در گام دوم انقلاب حل خواهد شد و جبهه مردمی منسجم و به هم پیوسته مورد انتظار رهبری سریع‌تر شکل خواهد گرفت. ان شاء الله.

در بخش پایانی کتاب، به پرسش‌های قرآنی که خدای متعال از اهل ایمان دارد، می‌پردازیم و یادآور می‌شویم که میدان جهاد در راه خدا، در هر جامعه و در مقاطع مختلف زمانی، متفاوت است. در گام دوم انقلاب (که با دشمنان جنگ سخت نداریم) فعالیت‌های جهادی در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، همان مصداق جهادی است که قرآن کریم می‌فرمایند.

تفکر و تأمل در این پرسش‌ها و تطبیق شرایط خودمان با این آیات نورانی، برای ما سرنوشت‌ساز خواهد بود.

سؤالات:

۱۵-۱ ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ

اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ آیا پنداشته‌اید که رها می‌شوید در حالی که برای خدا هنوز معلوم نشده، چه کسانی از شما اهل جهادند و به‌غیر از خدا و رسولش و مؤمنین، هم‌رازی (هم‌جبهه‌ای برای خود) نمی‌گیرند! و خدا از آنچه می‌کنید کاملاً باخبر است!

۱۵-۲ ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ

الصَّابِرِينَ﴾ آیا خیال می‌کنید وارد بهشت می‌شوید در حالی که هنوز مجاهدین و صابریں از شما برای خدا معلوم نشده است؟

توضیح: آیا با این دو سؤال، خدای متعال نمی‌خواهد، اهمیت جهاد و حرکت‌های جمعی و جبهه‌ای مؤمنین را، در همه زمان‌ها، به ما گوشزد کند و چه مقطعی از تاریخ اسلام مهم‌تر از گام دوم انقلاب اسلامی است که باید خون هزاران شهید به خون خفته اسلام به ثمر بنشیند و یک جامعه نمونه اسلامی درست شود؟

۱۵-۳ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ «تُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را راهنمایی کنم به تجارتی که از عذاب دردناک نجاتتان می‌دهد به خدا و رسولش ایمان بیاورید و جهاد کنید در راه خدا با مال و جانتان که این بهتر است برای شما اگر بدانید!

۱. سوره مبارکه توبه آیه ۱۶

۲. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۴۲

۳. سوره مبارکه صف آیات ۱۱-۱۰

توضیح: این شرطی که خدای متعال در آخر آیه می گذارد ﴿إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ آیا نباید ما را تکان دهد که شاید ما هم جزء همین هایی باشیم که هنوز اهمیت جهاد در راه خدا را درک نکرده ایم و اگر درک کرده باشیم، نباید خود را سریع تر به جمع مجاهدین در راه خدا در گام دوم انقلاب برسانیم و برای شکل گیری و ایجاد این جبهه مردمی مقدس - که تداوم همان دفاع مقدس مان است - جهادی مستمر داشته باشیم؟

تأملی بر آیات الهی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

و کلام آخر اینکده:

برادرم، خواهرم؛

اتمام حجت انقلاب اسلامی و رهبر فرزانه آن بر همه ما این است که:

- اگر به این انقلاب و این راه الهی ایمان داریم؛
 - اگر خود را مؤمن و عامل به عمل صالح می دانیم؛
 - اگر شهدا و راه آن‌ها و حاج قاسم را دوست داریم؛
 - اگر محب ائمه هدی و پیرو واقعی ولایت هستیم؛
 - اگر ارزش‌های اسلامی و در رأس آن عدالت را دوست داریم؛
- ابتدا وضعیت خود را بررسی کنیم، و متناسب با هر وضعیت که داریم اقدامات مناسب و جهادی ذیل را انجام دهیم:
- ۱) اگر از ذهن فعال و زبان گویایی برخورداریم، یک لحظه نباید آرام بنشینیم و دائم باید در حال جهاد تبیین و برانگیختن جوانان و مردم، برای پیوستن به این حرکت عمومی باشیم.
 - ۲) چنانچه هنوز نشسته‌ایم، قیام کنیم و با ساختن یک گروه کوچک مردمی (یا عضویت در یک گروه) جهاد خود را در گام دوم انقلاب آغاز کنیم.
 - ۳) چنانچه در یکی از عرصه‌های فعالیت فرهنگی یا اجتماعی مشغول جهادیم، دیگر دوستان مؤمن و نزدیکان خود را هم به این قیام و حرکت عمومی دعوت کنیم، تا آن‌ها هم در قالب یک گروه مردمی به جهاد در هر عرصه‌ای که مایلند و توانایی‌اش را دارند مشغول شوند.

شاید از خود پرسید که این جهاد با عظمت و سرنوشت ساز برای انقلاب اسلامی را چگونه باید انجام دهیم آیا احتیاج به هجرت و دوری از وطن و احتمالاً خطر جانی و غیره دارد یا نه؟ در پاسخ باید گفت: هر نوع جهادی قطعاً سختی‌های خاص خود را دارد، اما این جهاد و حرکت عمومی مورد انتظار رهبری در گام دوم به نظر می‌رسد در عین پیچیدگی، آسان‌تر از حرکت‌های جهادی مردم ما در گام اول انقلاب باشد. چرا؟ چون شما می‌توانید با تشکیل یک گروه مردمی کوچک و یا عضویت در یک گروه مردمی در محله خود، مشغول یک کار فرهنگی یا اجتماعی به صورت جهادی در همان محل زندگی خودتان بشوید و با این اقدام جهادی، نام خود را در جرگه مجاهدین گام دوم انقلاب ثبت نمایید. کاری که تقریباً از عهده همه نیروهای مؤمن و متعهد انقلابی به ویژه جوانان بر می‌آید. نوع فعالیت و حیطه عمل آن را هم، متناسب با توانمندی و علاقه خودتان، می‌توانید انتخاب می‌کنید، و این همان انتظاری است که رهبری انقلاب در تاریخ ۹۸/۳/۱ از جوانان متعهد و انقلابی کشور مطالبه فرمودند. این را هم بدانیم که همین فعالیت‌های گروه کوچک ما، وقتی در کنار عمل صدها هزار گروه کوچک محلی دیگر در سایر محلات و شهرها قرار می‌گیرد، اثر بسیار گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت.

با این امید که در آینده‌ای نزدیک، جبهه مردمی و گسترده مؤمنین، شکل بگیرد و با کمک همه نیروهای حزب الله و وفادار به انقلاب، دوش به دوش یکدیگر و با همدلی و اتحادی ناگسستنی، خشت‌های بنای جامعه اسلامی را روی هم قرار داده و در زمان حیات خودمان، شاهد تکمیل آن به دست مولایمان حضرت صاحب الامر؟ باشیم.

ان شاء الله.

والسلام علی من التبع الهدی

خواننده گرامی اگر چنانچه آماده گام نهادن و لیک به ندای رهبری در راستای تحقق گام دوم انقلاب هستید؛ لطفا با دقت و حوصله به پرسش‌های انتهای هر گفتار پاسخ داده و آن را از طریق درگاه ذیل برای دبیرخانه قرارگاه فرهنگی-اجتماعی بقیه الله الاعظم؟؟ ارسال نمایید تا ضمن بهره‌مندی از نکات و نظرات شما، به رسم یادبود هدایای ارزشمندی در سالروز صدور بیانیه گام دوم به افرادی که دقیق‌ترین و کامل‌ترین پاسخ را ملهم از بیانات رهبری ارسال کرده‌اند، به قید قرعه تقدیم گردد.

جهت پاسخگویی به سوالات انتهای هر گفتار و دسترسی به محتواهای مرتبط، به کانال @qorb_book در پیام‌رسان‌های اینستا، بله و سحاب مراجعه نمایید.



جهت دسترسی راحت‌تر
می‌توانید از طریق اسکن QR به
کانال‌ها دسترسی داشته باشید.



سحاب

